

مهدي موعود

صاحب الزمان ^{عج}

و

مخالفان

نوشته : هاشم دلخوشسوز

صاحب زمان و مخالفان

نوشته

پاشم دل خوش نواز

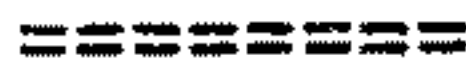
مرکز پخش

انتشارات رشیدی

تهران - بازار بین الحرمین کوچه مسجد جامع

تلفن . ۵۲۷۶۸۷ ■

مقدمه



مدتها بود که خوابهای روحانی میدیدم اگر کسی این مطالب را باور نکند اجبار نیست . افرادی هستند که حتی به خدا و ائمه شک میکنند آنها کسانی هستند که هیچ نوریزدانی در دلشان متجلی نیست و باطن اینگونه انسانها صفائی ندارد و هیچ لذت معنوی نمیبرند اتفاقاً " جملاتی که در قرآن متوجه افرادی ایمان مینماید بخاطر اینهاست . از خوابهای روحانی صحبت میکردم آخرین خواب قبل از سال ۱۳۵۳ این بود . نیمه‌های شب دیدم هاتفی با صدای بلند و با شتاب بمن میگوید . (تو باید که ... در باره اصول بهائیگری) بنویسی .

(چون اینجانب قبلاً " دو کتاب نوشته و تمام آنرا بفروش رسانیده بودم) این هاتف تا صبح این خطاب را تکرار میکرد، صبح که از خواب بلند شدم بچند روحانی جریان حال را بیان کردم یکی گفت وسایل چاپ را بتو کمک می کنم دیگری گفت کتابی است بنام (فلسفه نیکو) آنرا هم بخوان اما افراد عادی بعللی مرا از نوشتن این کتاب باز میداشتند .

ده شب بعد دوباره خوابی دیدم که عکسی روی دیوار نصب شده آن عکس بامن صحبت میکند کم تبدیل بآدم شده میگفت . این فرقه ها دارند خیلی فعالیت میکنند (البته گفت افتضاح میکنند . این کتاب را که بتو دستور داده شده بنویس بعداً " آن عکس تبدیل بصورت اولیه خود شد .

صبح فردا مجدداً " کتاب نامبرده را گرفتم که پس از مقدار ی و رفتن با این کتاب ناگهان چشمم بعکس نویسنده آن افتاد از تعجب در جای خود خشک شدم زیرا این عکس همان بود که دیشب در عالم خواب دیده بودم .

البته کتاب مزبور را خریده ام چون در حدود ۳۰ کتاب در

اینمورد تهیه کرده بودم که مطالعه نمایم .

علت این خوابها را چند چیز میدانستم :

۱- خانهای که بتازگی خریده‌ام محفل بهائیان بود باز اشتباهی در میزدند و میپرسیدند . (امشب محفل داریم) چه محفلی که در آن مطالب کفر آمیز گفته میشود - محفلی که در آن آیات و بینات قرآن را تحریف میکنند و بنفع خودشان نیمه کاره میخوانند که معنی ناقص شود . محفل گناه محفلی که زحمات چندین ساله پیغمبر اکرم (ص) را هدر میکند البته آدمهای قرآن ندان را گیر میندازند .

۲- علت دوم خواب اینست که مدتها بود مشغول نوشتن تفسیر قرآن بودم و کتاب (منهج الصادقین) را خلاصه می کردم تا مردم از اینکه واضحتر نوشته شود بهتر متوجه شوند . سپس کتاب تفسیر صافی که عربی نوشته شده است بدست آوردم دیدم بخوبی میتوانم با آنکه رشته تخصصی من نیست آنرا ترجمه کنم . نوشتن این مطالب و پاکی درونی که در خود حس میکردم باعث این روایاها شد .

باز مدتی درنوشتن این کتاب سستی کردم اما درنقشه نوشتن آن بودم که مطالبی هوچیگری مانند نشود که نظر دسته دوم هم هدر نگیرد. باز مدتی گذشت نقشه من این بود که چون این فرقه منکر ظهور صاحب الزمان هستند طوری بنویسم که آنها قانع شوند و راجع بفرقه‌های باطل هم باشد. بنا بر این اسم— این کتاب را (مخالفان صاحب الزمان) نهادم— حال گوش، کنید جالب تر از همه این که نزدیکی های او آخر همان سال ۱۳۵۲ بود که خواب دیگری دیدم که مسیر زندگی و همه تفکرات مرا عوض کرد:

جریان خواب این بود که یکشب حالتی روحانی داشتم در عالم خواب دیدم (البته از عقاید ما مسلمانان اینست که این گونه خواب‌ها را کسی نگوئیم اما من برای شما خواهم نوشت . دیدم میگویند از سه نقطه شهر هر که مأموریت دینی خود را خوب انجام داده باشد باید برود صورت امام را ببوسد من دستپاچه شدم که امام کجاست تاروی نیکویش را ببوسم دیدم در داخل اطاقی امام نشستند آبادونفر معمم که یکی پیرویکی جوان — از

قرائن والهام درک کردم که آن جوان باید امام باشد. رفتم صورت مبارکشان را بوسیدم بعداً " فهمیدم که بود. امام زمان بود که تندتند بآن روحانی پیر دستور میداد و میگفت آیاهمه چیز رو براه است ؟

من آدم بسیار خوبی نیستم اما چرا این خوابها بمن الهام میشود؟ آدم کاهل نمازی هستم اما درونم پاک و نیتم نسبت بمردم خیر است. بهر حال این بود که تصمیم گرفتم بجای یک کتاب سه کتاب بنویسم

۱- تحقیق در زندگی ۱۲ امام ۲- نقش دین در دنیای جدید که همان کتاب (مذهب واتم) است که در پشت کتاب خود نوشته بودم که این کتاب را خواهم نوشت بهر تقدیر شروع بنوشتن کتاب ۱۲ امام کردم که با ناشری مذاکره نمودم . البته چاپ این کتاب ثواب اخروی دارد که صاحب این کتابخانه یا ناشر تاحدی شریک است .

اجازه دهید آخرین خواب را بسمع شما برسانم تا مسئول ، نشوومینا بر این توجه کرده بدیگران هم بفرمائید .

بازهمین چند شب پیش دیدم در عالم خواب که هاتفی میگوید امام زمان (ص) با چند نفر تماس حاصل نموده فرمودند نامه‌ای دستورمانند بدست آنها داده اما آنها آن نامه‌ها را پنهان کرده‌اند دستور آنحضرت را بلا اجرا نهاده اند وظیفه تو اینست که آن نامه‌ها را جمع آوری نموده بچاپ برسانی من این کار را که بسیار مشکل است نمیدانم چگونه انجام دهم. فقط خواهش من اینست که خوانندگان عزیز اگر چنین کسانی رایافتند بفرمائید با من تماس حاصل کنند هر چند بعقیده این هستند که نباید این خواب را با کسی در میان گذاشت از انجام دستورات امام سرپیچی ننمائید.

امید است چاپ این کتاب مقبول نظر همگان باشد و بنظر بزرگواران خود با آن بنگرند. هدف ما حمله کردن به هیچ دسته مذهبی نیست بلکه یک مشت حقایق را می‌خواهیم بیان نمایم که از منابع و مأخذ زیادی اخذ و استنساخ گردیده و تحقیق شده زیرا خداوند در قرآن هم پیش بینی کرده بعد از این شعب و فرقه‌های زیادی پیدا خواهد شد.

مؤلف اردیبهشت ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

دلایل غیبت امام زمان (ع)

=====

۱- زنبور عسل یکسال بیشتر عمر نمیکنند اما ملکه پانزده سال عمر مینماید اگر عمر طبیعی انسان را حساب کنیم ۱۲۰ سال میباشد (البته بتازگی روزنامه ها زن ۱۴۰ ساله را هم نوشته اند) که پیدا شده . بهر حال پانزده برابر ۱۲۰ سال می شود ۱۸۰۰۰ سال حالا از زمان غیبت صغری که سال ۳۲۹ است تا حال ۱۰۰ برابر کنیم میشود ۴۹۳۵ سال که حالا ۱۳۵۵ میباشد و هنوز وقت باقی است .

۲- دیده شده است که اشخاصی در یخ گذاشته شده است (منجمد) از سالها همانطور سالم مانده اند در محوطه فیزیکی و

بهداشتی و آزمایشی .

۳- اشخاصی را در خواب موقتی و مصنوعی مدتی با

طریق بهداشتی قراردادند پس از سالها زنده ماندند اکثر آنها

جوکیان چنین کاری میکنند .

۴- داستان اصحاب کهف اگر قرآن را قبول داشته باشید

مبین اینست که سابقه دارد که آنها بقدرت پروردگار پس از سالها

زنده شدند مجدداً " در همان غار غیب گردیدند .

۵- چون مخالفان امام پسر از شهادت امام حسن عسکری

زیاد بودند شما شاهدید که کفار در هر عصری امامان را مسموم

و شهید مینمودند لذا خداوند صلاح دید که این مصلح زمانی را

نگهدارد که در آخر زمان دین را یکبار دیگر نضج میدهد از گزند

دشمنان محفوظ نگهدارد .

۶- خدائی که قدرت دارد کارهای خارق العاده نماید

بینید چگونه جنین کودک را در شکم مادر زنده نگهدارد قوت و

غذای کودک را فراهم کند شما آیا میدانید که انسان باید در

هوای آزاد تنفس کند پس چگونه در محیط بسته بدن مادر تنفس

دلایل عیبت امام زمان (ع) ————— ۱۱
مینماید؟!

۷- همانطور که از زمین خشک گل‌های زیبای معطرورنگا،
رنگ می‌روید، همانطور که از شاخه چوبی میوه‌های پرخلات
وشیرین می‌روید همان خدا، همان قدرت بی انتها قادر است
آدمی را چند سال زنده نگهداشته و عرضه بخلق نماید.

۸- به پیدایش خود هم بنگرید که از قطره‌آبی بوجود آمده‌اید
چه کسی؟ که؟ بیک قطره آب گندیده گفته مرد برومندی ساخته
شود؟ همانکس میتواند انسانی را غایب و در شرایط لازمی ظاهر
سازد.

۹- خداوندی که کارخانه‌های متعددی در بدن ما ایجاد
کرده است که مرتب بدون کنترل شخص کار میکند آیا قادر نیست
چند نفر را غیب و سپس ظاهر نماید؟!

۱۰- آنهایی که میگویند محال است نمیدانند محال ۲
نوع است ۱- محال عقلی ۲- محال عادی، در محال عقلی
مانند اینکه شب و روز با هم آید که ممکن نیست، اما محال عادی
اینست که انسان روزی زبان حیوانات را بداند که می‌گفتند سلیمان،

۱۲ ————— دلایل غیبت امام زمان (ع)

نبی میدانست اما بشر دارد بوسیله روانشناسی بدینکار موفق میشود . پس ما نباید بهر چیز اطلاع یا ایمان نداریم یا اینکه هنوز علم پیدا نکرده ایم فوری منکر شویم .

۱۱- اختراع هیدروفون صداهای گذشتگان رازنده می کند در صورتیکه چند سال پیش پیش بینی آن موجب تمسخر بود .

۱۲- در مورد بدون پدر بودن حضرت عیسی حتی انسان های مؤمن هم مخفیانه در دل خود شک میکردند در حالیکه امروزه ثابت شده است اینکار را (تنورنر) میگویند که در حشرات هم رایج است که بدون همسر تولید مثل کردن در انسان هم دلیل علمی یافته اند .

پس خدائی که اینهمه عجایب خلقت و استثنائاتی دارد میتواند کسی را غایب کند .

۱۳- گفتار پیغمبران و امامان در مورد غیبت امام زمان (ع) مفصل است .

۱۴- ادیان مختلف در مورد حضرت حجت بشارت

میدهند حتی بودا و مسیحیان متمدنی که اختراعات عجیب و غریب میکنند عقیده دارند که حضرت عیسی را بدار آویختند . بعد در قبر گذاشتند اما غیب شد و با سمانهارفت اینها که اهل علم و استدلالند چنین عقیده‌ای دارند البته ما میدانیم که حضرت عیسی هم با حضرت صاحب الزمان همراه خواهد بود .

۱۵ آیات مختلف قرآن بشارت ظهور حضرت حجت (ع) را میدهد

غیبت صغری و غیبت کبری

=====

در غیبت کوچک چهارتن با امام در تماس بودند .

۱- عثمان بن سعید معروف به شیخ خلانی که در بغداد

مدفون است .

۲- محمد بن عثمان که در کاب الکوفه بغداد بسال ۳۰۵

مدفونست .

۳- محمد بن نوح که در محله نوبختیه بغداد مدفون شده

است .

۴- سفیر چهارم علی بن محمد سمری که در سال ۳۱۹ فوت

نموده است .

غیبت کبری از همان مرگ سمر بن سفیر یعنی سال ۳۲۹

شروع شد .

علائم ظهور حضرت

=====

فساد و تباهی بحد اعلی میرسد البته خواهید گفت چرا
خدا میگذارد چنین اتفاقاتی افتد اما باید بدانید آیه‌ای است
در قرآن که با شخص بدکار فرصت میدهد تا پیشروند در کار بد
خود البته تباهی بحدی خواهد بود که اصولاً " انسانها نمیدانند
از سرگردانی و بی تفاوتی چه کاری انجام دهند و در چنین
شرایطی حضرت حجت ظهور خواهد نمود .

در جلد چهاردهم بحار الانوار مجلسی خیلی مفصل
علائم ظهور حضرت آمده غیبت و دروغ و شرابخواری رایج
میشود ربه خواری و زنا زیاد میشود عمرها کوتاه میگردد و اعمال
شنیع در حضور همدیگر (جمع) عمل میگردد . تحصیل روزی
بدون خطا و گناه غیر ممکن میگردد .

اکنون نظرات مختلف را درباره صاحب الزمان از ادیان

و اشخاص مختلف مینویسیم .

اول گفتار و مؤده ادیان دیگر

=====

در کتاب زند که کتاب مذهبی زردشتی است آمده :

۱- اورمزد و اهریمنان است که اول اهریمنان موفق

میشوند و جهان پر از اهریمنان میشود و در آخر اورمزد پیروز

میکردد و پس از اینکه اهریمنان را از ایزدان بر میانند از زند جهان

کیهان بسعادت ابدی خود میرسد .

۲- در کتاب (شاکمونی) از بزرگان دین هند در باره

(برگشن) صحبت میشود که بمعنی نام پیغمبر ماست و فرزند

او که بکوههای مشرق و مغرب حکومت میکند و فرزند او که ایستاده

نام میبرد که بمعنی همان قائم است و حدت دین در دنیای

ایجاد میکند و دین خدا را یکی میکند .

۳- در کتاب جاماسب آمده مردی از زمین تازیان از

خانواده هاشم بیرون میآید و با سپاه بزرگی مردی باشد بزرگ

۱۶ ————— اول گفتار و مؤده ادیان دیگر

سرو بزرگ تن و بایران می رود و جهان پراز عدل و داد میکند .

۴- در کتاب دیداز کتب دینی هندیان آمده که پراز

خرابی تنها مردی در آخر الزمان ظاهر میشود . نام او (منصور)

(که میگویند نام حضرت حجت (ع) است و تمام عالم را می

گیرد و همه را بدین خود در آورد و هر چه از خدا بخواهد همان

میشود .

۵- از کتاب باسک که از کتب هندیان است آمده که شاهی

میآید پیشوای ملائکه و پریان در کوهها و دریا و آنچه پنهان

است بدست میآورد از او بزرگتر کسی نباشد .

۶- در گاتها که بخشی است از اوستا از کتاب زرتشت آمده

که هنگامیکه سزای و پاداش گناهکاران را میدهند کشور بهمن

برپا میکند خواستار راستی است . زندگی را تازه میکند و بکامیابی

جهان دروغ را شکست میدهد .

در کتاب (گاتها) صفحه بیست و چهار استاد پورداود است .

۷- در کتاب (وشن جوک) آمده که آخر دنیا کسی می

گردد که خدا را دوست دارد و بنده خاص خداست . بتها کاران

زنده کند که حق خدا و پیغمبر را پایمال کرده اند و دنیا را نو کنند .
۸- در کتاب (پاتیکل) از بزرگان هند که بنظر هندیان از کتابهای آسمانی است آمده . (چون روز تمام میشود دنیای کهنه نو میگردد و زنده میشود و صاحب دنیای تازه پیدا میشود اما فرزندان او پیشوای دنیا که یکی ناموس آخر الزمان است . (که مقصود پیغمبر آخر الزمان) محمد صلی الله است که خاتم پیغمبران است) و دیگری وصی بزرگتر که (پشن) است که کلمه پشن به هندی نام حضرت علی علیه السلام است و نام آن صاحب ملک راهنماست (که مقصود از راهنما صاحب الزمان است که هادی و مهدی و معنی لغویش راهنما میباشد) .
حکم میراند و معجزه بسیار میکند هر که پناه بر او برد و دین پدران او را اختیار کند سرخ روی میشود و در آخر دنیا باو تمام شود و حدود تصرفات حضرت را نشان میدهد بعد میگوید که (جگر نات) بفرمان او بسخن میآید که جگر نات بت هندیان است بعد جگر نات بزمین میافتد .

بعد حضرت آنرا میشکند و تمام بت ها را که مانده باشد

میشکند .

۹- کتاب (جاماسب نامه) چنان عالی خبر میدهد از صاحب الزمان (ع) و چنان تشریح میکند کارهای حضرت را پس از ظهور که کتب خود را چنان بیان نکرده است در این کتاب پس از پیش بینی پیغمبر عرب که از میان کوههای مکه پیدا شده و شترسوار است میگوید او بایندگان یکجا غذا میخورد و مانند بندگان می نشیند البته آئین پیغمبری برابری بوده میگوید سایه ندارد و کتابش تمام کتابها را باطل میکند تمام تشکده ها را خراب میکند تا آنجا که انجام شده است سپس جانشین آخر آن پیغمبر را که حضرت حجت صلی الله است پیش بینی نمود که در مکه است و دولتش تا قیامت ادامه دارد . که بعد از اوج جهان متصل شده زمین در آب فرو میرود و پیش بینی عجیبی میکند که آنحضرت شیطان را میگیرد و در بند میکند از اینجا معلوم است که پیش بینی نخست قبلی که شیطان همه جا را اول میگیرد و بعد حضرت پیروز میشود چون پایان بدیهاست دیگر شیطان نمیتواند کسی را گول زند و دستگیر میگردد بوسیله حضرت و

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۱۹

این نظری عالی است .

۱۰- در کتاب زبور داود در قسمت سی و هفتم آمده است .

مشرکان خداوند وارث زمین خواهند شد . در جای دیگر می گوید بعد صدیقان وارث زمین شده تا ابد در آن ساکن خواهند بود .

۱۱- در مزمور ۲۷ و آیه اول میگوید . ای خدا قوم خود

را بملک زاده ای عطا کن که بعد است و انصاف حکم نماید در آیه هشتم آن میگوید از دریا تا بدریا و از نهر تا بانتهای زمین سلطنت خواهد کرد .

جای دیگر میگوید به دلیل و نیاز مند ترحم خواهد فرمود

و جانهای مسکینان را نجات خواهد داد .

در قسمت آیه ۱۷ میگوید اسم او ابدالرهر باقی است و

اسمش مثل آفتاب باقی میماند و مردمان برکت می یابند .

۱۲- از کتاب دانیال بنی فصل هفدهم میآید .

زمانیکه سرور بزرگ میکائیل که در طرف پسران قومست

قائم است خواهد ایستاد و قوم تو نجات خواهد یافت از خاک .

۲۰ ————— اول گفتار و مژده‌آدیان دیگر

زمین عده زیادی بیدار میشوند بعضی برای زندگی جاودان و بعضی برای شرمساری جاودان .

دانشمندان مانند روشنی آسمان و اشخاصی که مردم را براه راست هدایت میکردند تا بدمثل ستارگان درخشان خواهند بود .

جای دیگر مینویسد من گفتم که آخرین حوادث چگونه خواهد بود در جواب او گفتند ای دانیال پیغمبر تورا خود را ، پیش گیر زیرا که در آخر زمان این کلمات مختومست .

۱۳- از کتاب اشعیا نبی در آیه ۴ آمده است .

ذلیلان را بعدالت حکم- و برای مسکینان زمین برآستی نتیجه خواهد نمود و زمین را بعصای دهانش زده و بروخ برایش شریب را خواهد کشت (البته چون حضرت حجت ص را ما پیش بینی نموده ایم که آدمهای بد و فاسق و فاجر را معدوم میکند آنها هم چنین نوشته‌اند . تصادفاً " پیش بینی دیگر دین ما را در آیه ۶ همان کتاب میکند که (گرگ و بره و ببر و بزغاله با شیر جوان هم خوابه میشوند و طفل کوچک چوپان ایشان میگردد) .

و در آیه ۹ آمده است (در تمامی کوه مقدس من هیچ ضرر و فساد راه نخواهد کرد و از دانش خداوند مثل آبهای دنیا پر خواهد شد .

البته میدانیم زمان ظهور حضرت چنانست که مردم که غرق و غوطه ور فسادند بدی کار خود را با او نمیکنند یکبار خیر دار می شوند که حضرت میگوید شما بوسیله راهنمایان میدانستید که فساد نکنید و کردید .

۱۶- از انجیل لوقا باب ۲۱ در آیه بیست و پنجم آمده
علامات ظهور و حضرت را اشاره میکند که ، (و در آفتاب و ماه و ستارگان علاماتی خواهد بود و در زمین تنگی و حیرت برای امت هاروی خواهد نمود بسبب شوریدن دریا و امواجش) و در آیه ۲۷ نوشته (و آنگاه پسرانسان را خواهند دید که برابری سوار شده با قوت و جلال و عظیم میآید .)

و در آیه ۳۱ آمده (و همچنین شمانیز چون به بینید که این امور واقع میشود بدانید که ملکوت خدا نزدیک است . در آیه ۳۴ خوب اشاره میکند (پس خود را حفظ کنید مبادا دلهای

شما از پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردید و در آن روز ناگهان بر شما آید .

۱۷- در کتاب یوحنا ی لاهوتی آمده است . (وی از طرف

پسران قوم یعنی از طرف برگزیدگان موالید وحی تا آن زمان نیز قائم آمده انقلاب جهانست) البته قائم اسم حضرت صاحب است) یعنی برای مدت طولانی از انظار پنهان و در انتظار امر لازم الاجرای الهی و فرا رسیدن زمان بسر میبرد .

مخالفتان صاحب الزمان (ص)

=====

دودسته مخالفند یعنی شک می‌آورند- در ظاهر استدلال

آنها برای آدمهای بیسواد و بیمایه علمی گول زننده است که

عبارتند از :

۱- یکده جوانان که بخاطر نوگرایی و نونمائی یکنوع

خودنمائی آغاز میکنند و نمیتوانند گفته‌های خود را در مورد

نبودن خدا و ظهور حضرت ثابت کنند با حاجت خاصی اظهاراتی

مینمایند که البته قانع کردن این عده با آسانی ممکن است

چون مسلمان زاده‌اند و روبراه خواهند شد .

۲- دسته دوم فرقه‌های مذهبی وادیان که دیدید کتب

آسمانی آنها همه جا بشارت و مژده ظهور حضرت را داده است .

فقط سرپرستان شان آنها را گاهی باشتباه میندازند . اما در

باره فرقه‌های مختلف مذهبی باید گفت که آنها باطل هستند زیرا

که دین حساب نمیشوند چون دین شرایط خاصی دارد که آن

فرقه‌ها و اجد شرایط نیستند بلکه باید مذهب و مسلک نامشان

گذاشت این عده دیرتر محکوم میشوند و قبول میکنند و اظهاراتشان

گمراه کننده‌تر نیز هست که در آینده آئین و بطلان فکر آنها را

ثابت خواهیم نمود سردسته همه این دسته دوم با بیان و بهائیان،

میباشند .

دوم- گفتار پیغمبر اسلام درباره

حضرت حجت (ص)

=====

۱- انس ابن مالک میگوید پیغمبر اکرم فرمودند که ما فرزندان

عبدالمطلب سرور اهل بهشت هستیم من و حمزه و علی ص و

۲۴ _____ گفتار پیغمبر اسلام درباره حضرت حجت

جعفر و حسن و حسین و مهدی .

۲- ترمزی اهلی مینویسد . که پیغمبر فرمودند (دنیا

تمام نمیشود تا از اهل بیت من کسی سلطنت نماید که نامش با

نام من یکسان شود .

۳- انس بن مالک در کتاب سنن صفحه ۲۶۹ جلد دوم

مینویسد که پیغمبر فرمودند . (مطالبی که در بالا ذکر شده .

ماخذش این است) این شخص رئیس فرقه مالکی است و شیعه نیست .

۴- ابی داود در کتاب صحیح صفحه ۲۸ جلد دوم می

نویسد پیغمبر اسلام فرمودند . مهدی از اهل بیت من باید قیام

کند که نامش با نام من یکسانست تا دنیا تمام شود .

۵- احمد بن حنبل مینویسد رسول اکرم ص مؤده داد

که از امت من قیام میکند شخصی در روزی که مردم اختلافات

و لغزشها داشته باشند و زمین را پراز عدل و داد میکند .

۶- ابان غفاری میگوید که فرمودند از پیغمبر خدا شنیدم

که (اهل بیت مرا هر کس دوست دارد آنگاه به علی علیه

السلام توجه فرمودند و به حسین ص و گفتند علی و این برادر من

بهترین اوصیاست و بزودی خارج میفرماید خدایتعالی از سلب حسین (ع) ائمه دین را و (مهدی) از ماست .

۷- حافظ ابو نعیم از ابو سعید خدری روایت میکند که رسول اکرم فرمودند خروج میکند مردی از اهل بیت من که عمل میکند بسنت من و خداوند بسبب او برکات از آسمان نازل می نماید و زمین را پر از عدل مینماید و بازار همان روایت مینماید که پیغمبر فرمودند از ماست کسیکه عیسی بن مریم پشت سر او نماز میکند .

۸- حافظ ابو نعیم در جای دیگر از عبدالله بن عمر روایت نمود که پیغمبر فرمودند (مهدی) خروج میکند در حالیکه بالای سرش ابری قرار دارد که از میان ابر ندامیکند (اینست خلیفه خداوند باو تابع شوید) . البته در روایات انجیل و کتابهای زرتشتی اشاره بچنین کسی شده که از بالای ابرها سوار برابر خواهد آمد و ندای مردم میکند و لغات کلمات آنها نیز دلالت بر ظهور حضرت صاحب الزمان مینماید .

سوم — مطالب قرآن درباره صاحب الزمان (ص)

=====

۱- آیه ۱ و ۳ سوره بقره که عبارتست از (الم- ذلك

الكتاب لاریب فيه هدی للمتقین- والذین یؤمنون بالغیب و

یقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون) .

یعنی این کتاب آسمانی است که پرهیزکاران در آن شکی ندارند

و در آیه شماره ۳ میفرماید کسانی که ایمان به غیب دارند و نماز

را بیای میدارند و از روزی خودشان انفاق و بخشش میکنند .

امام صادق ع در تفسیر این آیه ها فرمودند که متقون شیعیان را

میگویند و کلمه غیب هم مقصود از حضرت قائم است .

۲- در سوره نور آیه ۵ آمده است .

وعدالله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستحلفنهم

فی الارض کما استحلف الذین من قبلهم ولیمکنن لهم دینهم

الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم ومن بعد خوفهم انما یعبدوننی

لایشرکون بی شیئا ومن کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون .

یعنی وعده داده است خداوند به اهل ایمان از بشر کسانی که

دارای عمل صالح میباشند که ایشان را در زمین خلیفه میکند و کفار و ممالک کفر را بدست مؤمنان تصرف میکند. مانند گذشتگان و تمکن به مسلمانان میدهد و ترس از دشمنان را تبدیل با امنیت مینماید تا خدا را ستایش کنند و شریک نگیرند برای خدا.

میگویند حضرت باقروا امام صادق اظهار میفرمایند که این آیه بمنظور حضرت صاحب الزمان ص آمده است که کشورهای مختلف را فتح میکند و ترس مردم بوسیله ایشان تبدیل به امن و امان میشود.

۳- ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض کثرتها عبادی الصالحون. این آیه ۱۰۵ سوره انبیاء است که میگوید (ما ثبت کردیم در کتاب زبور داود بعد از کتاب توره موسی این موضوع را که در آخر کار تمام زمین را میراث میگیرند بندگان شایسته خدا و تصاحب میکنند و وارث تمام زمین حضرت قائم ص و یاران و شیعیان خواهند بود.

۴- در سوره توبه آیه ۳۳ (هو الذی ارسل رسوله بالهدی

و دین الحق لیظهره علی الذین کله ولو کره المشرکون) .

یعنی آن خداست که بفضل عمیم خود در قدرت مندی فرستاده است پیغمبری را و قرآنی که سبب هدایت مردم و دین برحق است تا غالب نماید دین خود را بر همه دینهای دنیا اگرچه مشرکین کراهت دارند غلبه اسلام را و حضرت صادق در کتاب (المهدی) روایت مینماید که چون هنوز نیامده است تفسیر این آیه تا اینکه آنحضرت ظاهر شود مشرکی و کافری در آن زمان باقی نخواهد ماند .

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده است هیچ قریه‌ای باقی نمی ماند تا اینکه صبح و شام صدای (لا اله الا الله) از آن برخاسته شود البته معنی آیات بالا درست است که هنوز مصداق پیدا نکرده است چون فعلا " دین اسلام بر تمام دنیا حکومت ننموده است .

پیش بینی در قرآن شده چنین خواهد شد آنها هم جز در

دوران قیام صاحب الزمان نخواهد بود .

در آیه ۷۷ سوره آل عمران آمده است .

" افعیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض

طوعاً "وکرها و الیه یرجعون" آیا غیر از خدا را میجویند و او را پیروی میکنند برای خدا تسلیم شده است آنچه در آسمان و زمین است بمیل یا بکراهت . و از حضرت صادق (ع) تفسیر این آیه آمده است که در زمان حضرت امام زمان (ص) اینطور می شود که در زمین کشور و مکانی باقی نماند که صدای اشهد ان لا اله الا الله بلند شود اتفاقاً بر ناردشاه و نویسنده شوخ طبع کتابی نوشته است که بنام (اسلام دینی جهانی میشود) این در صورتی صحت می یابد که یگروز صاحب زمان (ع) ظهور کند و در جای دیگر استاد جواد مغیبه کتابی نوشته است که دونفر بنام حسنی و دامغانی ترجمه نموده اند در آنجا که اسم کتاب (زماندار آینده) است ثابت مینماید که روزی تمام جهان تحت لوای یک پرچم مذهبی و یک سنت و روش دینی خاص در میآیند که آن زماندار حضرت صاحب الزمان (ص) است .

۶ - در سوره نحل آمده است (امن یجیب المضرا اذا ^{عاه}

وبکشف السوء ویجعلکم خلفاء الارض) .

روایت میکند موقعیکه حضرت قائم ص ظهور میکند در،

۳۰ ————— مطالب قرآن در باره صاحب الزمان

مسجد الحرام وارد شده و بقبله می ایستد و پشت بدیوار کعبه
نموده اول نماز میخواند دو رکعت و با صدای بلند می گوید .

(ای مردم من بالاتر و همقدم از آدم و ابراهیم و اسمعیل هستم
و سپس دستها را بصورت دعا و تضرع بدرگاه خدا بلند مینماید
آیا برای مضطرب و پریشان کسی است که بدیهایش را بر طرف کند؟
خداوند خلفاء و جانشین نمایندگان خود را در زمین قرار
داده است آیا قادر متعال دیگری داریم که بتواند چنین کند .

۷- مهمتراز همه علوم دانشمندان سوره مبارکه فجر را مهم
میدانند که میگوید دلیل ظهور حضرت حجت ص است قسم می
خورد خداوند به صبح زود که با روشنی خود تیرگیها را بر
طرف مینماید .

چهارم - نظرات علمای سنتی مذهب

درباره صاحب الزمان

=====

حتی مخالفان هم به خاطر اینکه اهل عالمند و از اشارات
قرآن و نظرات و پیشبینیهای سایر ادیان نتیجه گیری کرده اند

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۳۱

نمیتوانند از اظهار نظر و قبول تاجی عالم آینده و حجت خدا و حضرت صاحب الزمان که پایان جهان را در دست دارد خودداری، نمایند بدین قرار بیان میگردد .

۱- صاحب کتاب (فصول مهمه فی معرفت الائمة) شرح

مفصل در احوالات حضرت حجت مینویسد . ثابت میکند که

فرزند امام حسن عسکری (ص) مهدی قائم خواهد بود که خداوند

مخفی اش نموده و آن حضرت را که در دوران مخالفت با امامان

لازم بود پنهان کردند .

۲- اما کتاب تاریخ موالید و وفات اهل بیت شیخ ابو محمد

عبدالله نوشته بعد از ذکر امام حسن عسکری (خلف صالح)

که میگویند امام زمان (ع) میگویند و امت مهدی را اشاره مینماید

که کنیه او ابوالقاسم است و در آخر خروج میکند .

علماء دیگر مانند جامی - حنفی و شیخ عبدالوهاب بن

احمد و شیخ عبدالحق و دهلوی و دیگر علماء سنت در باره

حضرت مطالبی نوشته اند .

۳- شیخ عبدالحق از اهل تسنن که کتابی بنام تصانیف

نوشته از کتب معروف سخا است در کتابی بنام مناقب که در ،
باره اخلاق امامان نوشته است که امام حسن عسکری دعا می
نمود خدا او را پسری عطا نماید و همسری بنام نرجس همسر
آنحضرت بدر زایمان دچار گردید حکیمه وقتی رسید فرزندی
بدنیا آمده بود ختنه کرده ، (البته دو باره تمام امامان اکثر
نوشته شده موقع تولد چنین بودند) امام و دست بر پشت و چشما
کشید و اذان در گوشش چنین خواند و گفت عمه آن کودک
نزد مادرش ببرید چون نزد امام آمدم مولود را دیدم که از
کودکی نور بزرگی در چهره او بود دلم شاد شد امام گفت این
همان مولود منتظر ما است که ما را بدان قبلا " بشارت داده بودند
پس از مدتها روزی آمد و پرسید آن کودک چه شد؟ فرمودند
سپردم بکسی که مادر موسی فرزندش را باو سپرده بود .

باز هم در باره طول عمر

=====

۱- در قرآن و بعضی از تواریخ آمده است که نوح پیغمبر

هزار سال عمر کرده است .

۲- ربیع بن مسیح میگویند در حدود ۳۴۰ سال عمر کرده است .

۳- لی چینگ چینی که عکس او در مجلات چاپ شده بود ۲۵۲ سال عمر کرده .

۴- دکتر گلیاردها و رزکتابی در باره طول عمر نوشته است البته ثابت کرده اند که بشر میتواند تا ۱۴۰ سال عمر طبیعی نماید .

یوحنا تنگتون ۱۶۰ سال عمر کرده است .

تزمان یار ۱۵۲ سال و نظیر این مطالب را در مجلات خواندیم

که کهن سال ترین مرد ایران ۱۸۰ سال داشته تا زگی مرد .

یک پزشک انگلیسی با ابتکارات خود جوجه مرغ را تا ۱۷

سال زنده نگاهداشت .

در کوههای هیمالیاسن افراد تا ۲۰۰ سال است .

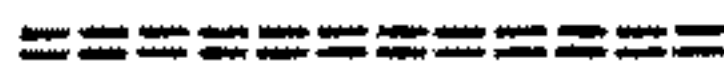
تک یاخته ایها با تک فسمی اضافه شده و نمی میرند اینها

از عجایب خلقت است . در ابتدای کتاب درباره زنبور عسل

گفتیم که ملکه ۱۵ برابر سربازان زنبور عمر میکند لذا تاکنون

تاده برابر عمر یک آدم معمولی نرسیده که حضرت حجت (ص) ظهور کند .

فرقه‌های باطل



۱- معتزله - پس از آنکه عثمان کشته شد ، مردم با حضرت علی علیه السلام بیعت نمودند سه فرقه شدند :
الف - طرفدار علی (ع) ب - مخالف آنحضرت (چون گمان میکردند سبب کشتن عثمان میباشد بنام (عثمانیه) ج - فرقه بیطرف از دعوا که اعتزال کردند و آنها را معتزله گویند رهبر آنها و اصل بن عطاء است و در نزدیکی ستونی از ستونی در مسجد بصره عزلت و گوشه نشینی اختیار کردند و آنها را معتزله گویند .

نویسنده کتاب (الملل و نحل) آنها را به ۱۲ فرقه تقسیم نموده است و صاحب کتاب (بیان الادیان) بر ۷ شعبه تقسیم نمود .

۲- اشاعره - که براهل سنت کاملاً " اثر نموده‌اند از

پیروان ابوالحسن بن اسمعیل اشعری هستند بنا براین آنها را اشعری مینامند (در سال ۲۷ هجری و در بصره متولد شده و در سال ۳۳۰ در بغداد درگذشته است) عقیده شان اینکه میگفتند افراد با ایمان خدا را در روز قیامت می بینند یکی از آیه های قرآن را شاهد می آورند و دلیل میگیرند که چون دیدن هر چیزی منوط بوجود آنست و آنچه وجود دارد قابل رویت است پس چون خداهم وجود دارد پس میتوان او را دید ما بطور کلی اکثر این فرقه ها را بطور تفصیل مینگاریم البته چنانکه گفتیم ۷۳ فرقه میباشند .

۳- شعبات فرعی مذهب شیعه که تقسیم گردیده است به . الف ابتریه که واضع این مسلک حسن بن صالح میباشد که در مورد عثمان سکوت میکنند و امامت را طبق شورامیدانند .
۴- جارودیه - افرادی هستند که انتقاد از حضرت علی مینمایند .

۵- خشبیه - که با سلاح چوبی در جنگ مبارزه میکردند
۶- ذکریه - خیر و شر را در قضا و قدر مهم میدانند .

۷ - کیسانیه - که محمد حنفیه را امام خوانده و پیروان،
مختارند و چون اسم پدر مختار کیسان بود طرفداران او را کیسا
نیه
میگویند .

۸ - مختاریه که از افکار جبر و اختیار هر دو را قبول و اکثراً
اختیار را در کار خدا مهم میدانند .

۱۹ - سباحیه یا نزاریه که شخصی بنام مصطفی الدین
الله را امام میدانند .

۲۰ - ناصریه - پسر اسمعیل (محمد) را مهدی قائم
موعود میدانند تا آنجا ملاحظه میفرمائید که تمام این فرقه‌های
بالا باطل است و اشتباه نموده‌اند و حقیقت بر آنها مکشوف
نیست .

شعبه‌های دین سنی (تسنن)

اول اصحاب حدیث

=====

که عبارتند از: ۱- داودیه ۲- شافعی ۳- مالکی ۴-

حنبلی ۵- اشعری که این دسته آخری عقیده جبری دارند .

دوم - اصحاب رای - که عبارتند از حنفی و معتزله که

خود معتزله ۷ فرقه هستند ، حسینیه تابع حسین بصری .

نظامیه تابع ابواسحاق سیارند که تمام کارها را بارواح نسبت

میدهند . معمربه پیرو مذهب محمد بن عباد هستند به قضا و

قدر عقیده دارند ، بشریه - جاحظیه که طرفدار جاحظ اند که

فناى خدا را قبول ندارند که فانی مینمایند یعنی هر چیز را ،

فانی میکند .

۱۰- اسحاقیه - که خدا را جسم میدانند نعوذ بالله .

۱۱- حریه - میگویند روح خدا در کالبد بیان و در ابو

هاشم حلول میکند .

۱۲- کامیله - اظهار میدارند که چون حضرت علی ع

با کفار جنگ نکرد از او برگشته اند و سردسته آنها ابی کامل است ،

۱۳- سبائیه - برعکس دسته بالا علی را بحد پرستش

دوست داشته میگویند نعوذ بالله روح خدا در علی است و او به

آسمان رفته است .

۱۴- منصوریه - تابع ابو منصور جملی است که عقیده

دارند خدا او را با سمان سپرده و بسرش دست کشیده است .

۱۵- بزنعیه - برای امام جعفر صادق مقام خدائی

نهاده اند عقیده دیگر آنها اینست که بین اصحاب کسانی

بودند بالاتر از پیغمبر .

۱۶- حزابیه پیغمبری باید به علی ع داده میشداشتبا^{هی}

به محمد (ص) داده شده است لابد برای خدا هم ایراد میگیرند.

۱۷- یعقوبیه - عقیده دارند علی از ابرها آمده است .

۱۸- اسمعلیه - یا ملاحده معروف که اسمعیل پسر امام

جعفر صادق (ص) را امام هفتم میدانند و تا ۷ امام راقبول،

دارند .

جاخطیه - که پیرو عمر بن جاحظ هستند عقیده دارند علم اول

در انسان بوده این عقیده را میگویند افلاطون قبلا "اظهار

داشته بود - هذلی - که تابع فلسفه یونان قدیم هستند و

عقیده جبری دارند .

- کعبیه - به بینائی خدا ایمان ندارند .

۲۲- مذهب خوارج

=====

پانزده فرقه هستند در جنگ نهروان عمروعاص همان
حیله‌های همیشگی را زده بود فرمان داد قرآن‌ها را سرنیزه
کنند حضرت علی ع دید پیروزی نزدیک است جنگ را ادامه
داد این عده برگشتند از دوستی علی ع آنها را خوارج می
نامند شعبات خوارج عبارتند از:

۱- از ارقه که با بن ملجم عقیده دارند وزن و کودک دشمن
خود را میکشند .

۲- بخدات - پیرو محمد بن عام حنفی هستند و گناهکاران
کافر میدانند .

۳- عجازه - که پیرو عبدالکریم عجرد هستند سوره ۶،
یوسف را جزء قرآن نمیدانند .

۴- بدعیه - اولین آفریده خداوند را روح میدانند .

۵- خازمیه که جبری هستند .

۶- ثعلبیه - پیرو ثعلب بن عثمان هستند .

۷- حروریه - ۸ - صفریه

۹- اباضیه - که عبدالله بن ابیاض را امام میدانند .

۱۰- حفصیه - دشمن حضرت علی هستند منکر خدا را

مشرک میدانند .

۱۱- پهمیه شراب - را حلال میدانند . ۱۲- شمراطیه

۱۳- یزیدیه - به پیغمبری از ایران عقیده دارند که

خواهد آمد .

۱۴- فصلیه ۱۵- ضحاکیه - پیرو ضحاک فیضی هستند .

شماره کلی شعبات ۲۳ - مذهب مجیره که ۶ شعبه دارد ، که

عقیده جبری دارند به اختیار عقیده ندارند .

۱- جهبه پیرو جهم بن صفوان ۲- افطحیه که این فرقه

هم ۶ امامی هستند اکبر پسر امام صادق ع را امام میدانند .

۳- بخاریه - عقیده دارند قبل از حضرت حجت (ص)

فقط باید بخدا ایمان داشت بعد از او هر که ایمان نیاورد کافر

است این دسته هم باطل هستند زیرا قبل از حضرت حجت اعتقاد

بهیچ چیز ندارند .

- ۴- ضراریه - که میگویند انسان ع حس دارد با حس ششم خدا را در روز قیامت خواهد دید .
- ۵- صفاتیه - از صفات خدا زیاده روی میکنند .
- ۶- نواجیه که به برگشت ارواح عقیده دارند .

۲۴- مذهب مشبهه

=====

این فرقه ها که ۱۰ فرقه هستند خدا را بآدم نعوذ بالله تشبیه مینمایند بدینقرار :

- ۱- کلابیه - خدا را انسان میدانند .
- ۲- کرابیه خدا را جسم میدانند که پیرو محمد بن کرام هستند .
- ۳- هشامیه خدا را دارای نهایت میدانند و جسم میگویند و پیرو هشام بن حکیم هستند میگویند کارها دست خدا نیست
- ۴- شبانیه ۶- مقاتلیه که میگویند خدا طول و عرض دارد .

- ۷- معتزله ۸- منهالیه

۹- زراریه - خدا را ازلی نمیدانند .

۱۰- مییغه - که عقیده دارند روح خدا درهاشم بن حکیم

حلول کرده که همان (ابن مقنغ) باشد که حرام در مذهب آنها وجود ندارد .

۱۱- نعمانیه - یا شیطانی به تقدیر پیش از خدا عقیده

دارند .

مذاهب صوفیه

=====

۱- نوریه - که شیطان را آتش میدانند میگویند در آتش

هم سوخت امان سوخت .

۲- حلولی که به تناسخ عقیده دارند یعنی روح یکی در

بدن دیگری آید و میگویند روح امامان از خداست .

البته شعبات تصوف زیاد است فقط دو فرقه باطل را نام

ببریم .

مذهب مرجبه

=====

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۴۳

صالحیه چهارم — رزامیه — که ابو مسلم خراسانی را امام
میدانند پنجم — شمریه ششم — جهیمیه که میگویند صفات
خدا مثل صفات انسان نیست .

فرقه‌های دیگری را هم نام ببریم که عقیده به صاحب
الزمان ندارند این فرقه‌ها همه باطل هستند و تمام امامی‌ها
نیز باطلند که تا فرزند امام جعفر صادق (ع) دیگر امامان را
قبول ندارند آنهم یک فرزندش که با امامت نرسیده بود .
که مهم‌تر از همه این فرقه‌ها بایه و بی‌هائیه است که دلایل بطلان
آنها را نیز خواهیم نوشت .

دلایل خاتمیت پیغمبر اسلام

=====

مسلمانان "خواهید گفت چرا این مقاله را دیرتر نوشته‌ام .
در پاسخ باید گفت بدان جهت که خاتمیت محمد صلی الله‌که
مثل آفتاب تابان روشن و آشکار است و نبوت و رسالت پیغمبر
را مثل روز تابناک و سپیده دم میدرخشید ادیان مختلف
خواه ناخواه قبول دارند که پیغمبر ما خاتم است منابع دلایل

ما سه قسمت است .

اول — آیه های مذهبی و احکام و دستورات پیغمبر .

دوم — گفتار دانشمندان مختلف

سوم — بشارت ادیان دیگر راجع به محمد صلی الله .

اول — دلیل از احکام دینی و قرآن

=====

البته خواهید گفت این دلایل برای دیگران مورد قبول

نیست در حالیکه همان دلایل را دیگران و ادیان دیگر قبول کرده اند.

زیرا اولاً هیچ پیغمبری باین صراحت نگفته است من خاتم

پیغمبران هستم و از طرفی آیات قرآن و کلمات پیغمبر چنان

محکم است که بادر نظر گرفتن اینکه کتاب دینی ما از کتب رسمی

پیغمبران الوالعزم است پذیرفته اند و در این مورد شک ندارند .

اول — دلایل پیغمبر و قرآن

=====

۱- در کتاب صحیح بخاری جز و چهارم آمده که پیغمبر

اکرم مثالی زده بدین قرار که یک ساختمان کامل و زیبایک آجر

کم دارد که نقص آن برطرف شود و اگر آن آجر نباشد زیبایی آن کاملاً " لطمه خواهد خورد و مشخص و معلوم است من آن آجر هستم که اگر نباشد مردم در تعجب خواهند بود از عدم تکمیل آن ساختمان پس خاتم الانبیاء و تمام کننده رسالت هستم .

۲- سوره احزاب آیه‌ای بشماره ۴۰ دارد بدین قرار .

(ماکان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله و لکل شیء علیما . یعنی محمد ص الله پدر یکی از افراد شما نیست ولی پیغمبر و رسول خداست و ختم کننده پیغمبران است و خداوند بهر چیزی داناست . از ابتداء ، دعوت پیغمبر مردم علم اطلاع بر خاتمیت حضرت محمد یافتند و هر کسی که ایمان می‌آورد و می‌فهمد و قبول می‌کند که به خاتم تمام کننده پیغمبران ایمان آورده است و تعالیم عالیه اسلام بالاترین دستورات است که امروزه علم به حقانیت گفتار پیغمبر ایمان آورده خطاب قرآن را به یک یک مردم از راه علمی ثابت میکند .

۳- در عیون الاخبار شیخ صدوق از حضرت امام رضا نقل

میشود که شریعت پیغمبر تا روز قیامت منسوخ نمی‌گردد و پیغمبری

بعد از آن تا روز قیامت بعثت نخواهد یافت و هر که پس از او دعوی پیغمبری کند خورش حلال است .

حتی میبینم که پس از هزار و سیصد و خرده‌ای سال هنوز تعلیمات اخلاقی اسلام کهنه نشده و سایر مطالب و دستورات ، اکثر عملی شود آرامش و آسایش برای مردم تولید خواهد شد . کسی که کاریکسی نخواهد داشت ، باز در صفحه ۲۲۹ همان کتاب آمده است . (یا علی ما سالت شیء الا سالت کمثله غیر

انه لانبوت بعدی انا خاتم النبیین وانت خاتم الوصیین)
یعنی ای علی سؤال نکردم از خداوند یعنی مسئلت ننمودم

چیزی را مگر اینکه برای تو هم خواستم مگر اینکه من خاتم پیغمبری هستم و تو ختم کننده اوصیاء و اولیامیباشی (این علاوه بر اینکه امامت علی را میرساند و علاقه خاص قلبی پیغمبر علیه السلام را نسبت به پسر عم و داماد و جانشین خود نشان میدهد پاس محبت‌های و خدمات اسلامی علی را پیغمبر صلی الله بدین وسیله میگذارد یک نتیجه دیگر اینکه .

۴- در جلد اول سنن دارمی آمده است (قال انا قائد

المرسلین ولا فخر و انا خاتم النبیین ولا فخر) یعنی من که پیغمبر آخر زمان هستم پیشوای و برپای دارنده مسلمانان و — همچنین ختم کننده فرستادگان خدایم باشم و افتخاری نمیکنم البته افتخار دارداما تظاهر معنی میدهد چون پیغمبر تظاهر نمیکنند و با حلم و صبر رسالت و خاتمیت را میسرسانند .

گفتار دانشمندان و مسئولان قلمرو کوچک

راجع به خاتمیت پیغمبر ص

=====

۱- در کتاب کنز الفوائد محقق کراچلی آمده است (صفحه ۱۱۱) که شخص مومن با ایمان بدین اسلام باید بداند که این دین همیشگی و ثابت و برقرار است و تا روزی که خداوند خود وارث زمین و سکنه باشد و حلال و حرام نخواهد بود مگر آنکه آنحضرت حلال نماید یا حرام کند و فریضه و عبادت او مهم است اگر کسی بدین دیگر متمسک شود کافر است و منحرف میباشد زیرا آنحضرت خاتم الانبیاء و شریعت او فاتح تمام شریعت هاست .

۲- در جوامع الکلام از شیخ احمد احسانی صفحه ۷ آمده

است میدانیم که او سرپرست مسلک شیخیه است گفته محمد صلی
الله خاتم الانبیاء است و پیغمبری پس از آن حضرت نخواهد
آمد زیرا در قرآنست (ولکن رسول الله خاتم النبیین) یعنی
پیغمبر خدا خاتم و تمام کننده پیغمبرانست و خدا هم که دروغ
نمیگوید زیرا شخص غنی و بی نیازی مثل خدا از گفتن دروغ بی
نیاز است و جای دیگر آمده است که . (لا بنی بعدی یعنی بعد
از من پیغمبری نخواهد آمد و ما باید سخن پیغمبر را قبول
کنیم .

۳- سید کاظم رشتی در کتاب مجموعه الرسائل مینویسد

که امام دوازدهم حضرت حجت بن الحسن هادی وقائم منتظر
است و خداوند بوجود او روی زمین را از عدل و داد پر میکند
و پس از غلبه بر ظلم و جور آن حضرت زنده است و نخواهد مرد
تا هنگامیکه بتها را بکلی از میان بردارد و شهادت میدهم
که شریعت اسلام تا روز حساب باقی خواهد ماند البته حضرت
حجت ص را که بهائیان گفته اند آمد و رفت همان فرقه باطل

نسبت به سید کاظم رشتی اعتقاد زیاد دارند لذا چنین رشته است :

۴- باز در صفحه ۱۳۸ کتاب رساله صفریه نوشته است .
تشریح (شرع) مانند تکوین است همانطور که در عالم نهبین
برای کمال ۶ مرحله و ۶ طبقه دارد که عبارتست از (نطفه ، علقه
و مضغه و عظام و لحم و روح) همانطور هم تشریح ۶ مرحله
و ۶ قسمت دارد که عبارتست از (شرع آدم - شرع نوح - شرح
ابراهیم شرع موسی - شرع عیسی - شرع محمد صلی الله) و
اضافه میکنیم در آخر که همانطور که مقتضیات خلقت کامل است ،
شریعت پیغمبر هم ثابت و لا یتغیر است

بشارات و نظرات و پیشبینی ادیان دیگر

درباره خاتمیت پیغمبر ماصلی الله

=====

۱- در توراة سفر است که در سفر مثنی میگوید (اینهم

از کتاب یهود است) : در خداوند خدایت از شما پیروانت پیغمبری

را مثل من مبعوث خواهم کرد و کلام خود را بدهانش خواهم

گفتار دانشمندان

گذاشت تا هر آنچه با او امر میفرمایم بایشان برساند .

۲- در سفر تثنیه آیه های ۳ و ۲ خلاصه ای اینست که به

طرف شمال برگردید و بسرحد برادران خود نبی عیسو راه گذارید

دو باره پیغمبری از نسل بنی عیسو که برادر یعقوب پیغمبر است

مباید . و دانسته که منظور از برادران بنی اسرائیل مثل

حضرت اسمعیل ص که مقصود پیغمبر ما میباشد .

۳- در سفر تکوین داستان ابراهیم و سارا و هاجر را بیان

میکند و راجع به ختنه هم مینویسد مطالبی دارد از پیغمبر

ما که چون آن لغت با م محمد است اکثر ترجمه ها از قلم انداخته اند

جمله ای بزبان عربی دارد که ترجمه فارسی آن چنین است :

۴- در کتاب اشعیا آیه ۱ تا ۴ آمده است . اینک بنده که

تکیه او بمن است و برگزیده من که جانم از او راضی است روح

خود را براو میدهم که از برای طوایف حکم را صادر کند در آخر

مینویسد . (تا آنکه حکم را بر زمین قرار دهد و جزایر منتظر شریعتش

باشند) .

در آیه ۹ مطالبی هست از همان کتاب که خلاصه اش این

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۵۱

است که مینگارم . (من حوادث جدیدی که هنوز بعرصه ظهور نیامده‌اند بیان کرده مسموع شامیگردانم) در حضور ایشان ظلمت را بنور و کجی‌ها برآستی تبدیل خواهم ساخت . از برای ایشان این چیزها را عمل نموده ایشان را ترک نخواهم کرد .

۵- یک آیه شماره ۲ و ۳ سوره توبه و ۲۸ سوره فتح مضمور

۹۲ کتاب یهودیان است که پیغمبر میفرماید آنها را پیش از آنکه بموده‌اند که خراهم آمد و درست میباشد آیه اینست .

(هوالدی رسول رسوله بالهدی و دین الحق یظهره علی الدین)
یعنی خداوند پیغمبر خویش را برای هدایت دین حق فرستاده است تا او را بر همه ادیان غالب سازد البته هم از ظهور حضرت صاحب الزمان ص خبر میدهد و هم از پیغمبر اسلام بشارت میدهد .

دلایل کلمه خاتمیت پیغمبر

=====

۱- احکام و دستورات مذهبی تاکنون نسبت بزمان

کوچکترین حالت کنهگی پیدانکرده و در هر عصر و دوره‌ای و

در هر مکان جغرافیائی قابل قبول است . البته اگر عده‌ای عقیده نوگرائی دارند و میگویند در زمان حال بعضی شرایط منطبق نیست آنها فساد جامعه را تمدن حساب کرده‌اند و گرنه تمدن که از مجرای حرکات نامشروع نیست .

بنابراین خداوند شریعت اسلام را طوری قالب با جامعه درست کرده که در طی قرون و اعصار هنوز تا زهو قابل الاجراست .

۲- احکام اسلام برای هر نوع وجود آدمی از قبیل ناتوان و توانا و خرد و کلان آن و پیرو جوان قابل الاجراست .

۳- خداوند اول موجود پست را آفریده بعد عالی و از طرفی اول اشرف را و بعد از اقباح قرار داده - لذا پیغمبر ما که خاتم پیغمبران است برای تکمیل قوانین و دستورات اخلاقی و اجتماعی آمده است .

۴- در شرایط بدوی در محیط عقب افتاده مردی برخیزد و کتابی معجزه آسا بیاورد که علوم جدید را به تحیر و آوار دارد و انقلابی در جهان ایجاد نماید .

تولد صاحب الزمان (ص) در استان آن

=====

شمعون که از حواریون حضرت عیسی (ع) بود از نواده‌اش بنام یسوعا بمرحله و مقامی رسید که قیصر روم شرقی یا بیزانس شد. تصمیم گرفت دختر خویش را ب عقد و ازدواج برادرزاده‌اش در آورد. البته دختر چندان علاقه‌ای بدین کار نداشت زیرا خوابهای روحانی میدید و تمایل شدید بدین مبین اسلام داشت اما قیصر قصر پرشکوه و جلال خویش را میآراست. همه منتظر انجام جریان عقد بودند که ناگهان همه صلیب‌ها سرنگون شد و داماد که پسر عموی او باشد از تخت بزمین افتاد این جریان دوبار پی در پی تکرار شد و همه درباریان رای دادند که از این عروسی نامیمون منصرف شوند.

خوابهای پی در پی

=====

شب هنگام که تمام قصر در آرامش و سکوت غوطه‌ور و عروس در حالت رویائی بود پیغمبر اسلام محمد صلی الله را خواب می‌بیند است که روبه یسوعا نمود که دختری را باید

بعقد فرزند زاده من امام حسن عسکری در آورن .

این خواب بحدی شیرین بود که مدت دو هفته از ذهن

او خارج نمیگردید تا شب چهاردهم پس از خواب اولی مجدداً "

سید زنان عالم فاطمه زهرا (ص) را با حضرت مریم یکتا به

خواب می بیند .

حضرت مریم در خواب به عروس میگوید این حضرت فاطمه

مادر بزرگ امام حسن عسکری است .

اما عروس که مرتب امام حسن عسکری را در خواب می

دید که جوانی زیبا روی است و باو اظهار علاقه مینماید

فوری میگوید من در حرارت عشق فرزند زاده ات میسوزم ،

حضرت زهرا میگوید تا تو در دین مسیح هستی ازدواج و وصلت

غیر ممکن است فوری میگوید چه کنم حضرت فاطمه فرمودند

کلمه تشهد را بزبان بیاور و باو یاد میدهند و فوری جمله تشهد

را زبان جاری مینماید .

(اشهد ان لا اله الا الله) یعنی شهادت میدهم که خدائی

جز او نیست (محمد ، رسول الله علی ولی الله) یعنی محمد

رسول خداست و علی ولی خدا میباشد ووصی اوست و در خواب نام او را نرجس یا نرگس میگذارد که مادر حضرت صاحب الزمان ص است. شب بعد فرا میرسد دو باره قیافه زیبای امام حسن عسکری ص را در خواب می بیند و در نهایت شدت عشق خود را در خواب بآن جوان که امام یازدهم ماست ابراز میدارد.

حضرت اظهار میکند چون تودر دین مسیح بوده ای دیگر بدیدنت نیامدم بعد از این هرشب ترا ملاقات خواهم نمود. نرگس خاتون نقل میکند یکی از تسبها با میدیدار و خوابیدم تا خوابش به بینم اتفاقاً " نیمه های شب بخوام آمد و باشتاب تمام جملاتی که آماده کرده بودم بیان نمودم که چگونه ترانه بیداری ملاقات مینمایم. حضرت فرمودند هنگامیکه قیصر پدرت با مسلمانان بجنگد تو خود را مخفیانه داخل سپاه و جزو کنیزکان نما. در این جنگ شکست نصیب رومیان و پیروزی نصیب اسلام میشود و تو جزء کنیزان اسیر خواهی شد آنوقت من ترا ملاقات خواهم نمود و ترتیب کار داده خواهد شد.

جنگ

=====

در کتاب مسعودی در مروج الذهب و در تاریخ العرب و روم آمده است که در سال ۲۴۸ هجری سپاه اسلام بسرکردگی (بلکا جور) با رومیان با رومیان میجنگید همانطور که پیش بینی میشود شکست نصیب سپاهیان روم شده عده‌ای از اشراف روم اسیر میشوند و عده‌ای از شاهزاده‌گان اسیر میگردند در همین اثنا نرجس یا نرگس که خود را در جمع سپاهیان نموده بود و لباس کنیزگان پوشیده بود با سیری می‌رود .

در ساحل فرات اسیران را بمعرض فروش میگذارند نرگس طبق نوشته کتاب بحار الانوار مجلسی جلد چهاردهم نمیگذارد دست هیچ خریداری باو برسد و یابدنش را لمس نماید او منتظر یک معجزه بود .

دیدار دلدار

=====

نرگس خاتون بین اسیران و بزرگان از رنج در بند بودن

نمی نالید فقط در فراق یار نادیده که در حال رویان شمران
 او را دیده و بطرف اسیری کشیده شده بود و هنوز خمیری
 از او ندارد مینالید .

تا اینکه روزنه روشن امیدی پیداسد بدینقرار که امام
 علی نقی غلام خود (بشر بن سلیمان) را خواند و گفت
 بدو دار که بی درنگ برو بطرف بغداد و آرانجا از شهر خارج
 شو در کنار فرات با این دو بیست و بیست اشرفی باید اسیری
 را بخری و نشانه اینست که برده فروش بنام (عمر بن یزید
 است و آن خانم محترمی است که نمیشود اسمش را اسیر
 گذاشت و لباس حریرتن دارد و علامه مجلسی از شیخ صدوق
 روایت مینماید که کشتی های اسیران رسیدند و می بینند دختری
 بهمان نشان بزبان رومی غلیظی صحبت میکند منوجه شد
 را سیصد دینار میخواهد بفروشد اما وی از مشتریها امتناع
 مینموده برده فروش عصبانی است اما نرگس خاتون میگوید
 عجله نکنید همینطور وقت میگذراند و منتظر پیغام داماد
 است و برده فروش را وادار به تامل کرده میگوید باید صاحبم

را خودم انتخاب کنم . اما بشر بن سلیمان که نامه امام را دارد نزد (نحاس) آمده میگوید نامه ایست از بزرگان شهر بزبان رومی است که وصف ثروت خود را کرده اند نامه بدست نرگس خاتون باید برسد پس از خواندن نامه گریه را سرمی دهد وقتی جو یای حالش میشوند اظهار میدارد که مرا بدین غلام بفروش اگر بکس دیگری فروشی خود را خواهم کشت وقتی بشر بن سلیمان او را خرید بحجره خودش آورد دید نرگس خاتون نامه را میبوسد و برچشم و قلبش میگذارد .

گفت ای دختر تو صاحب نامه رانمی شناسی چرا اینطور نامه را میبوسی نرگس گفت من ملکه دختر یسوعا (پسر قیصر روم) هستم که نسبت پدرم به شمعون وصی و حواریون عیسی میرسد پس داستان عروسی خود را با پسر عمویش و شکسته شدن تخت جواهر نشان و ریخته شدن بتها و افتادن و مدهوش شدن پسر عمویش را کاملا " شرح داد و گفت این نامه مربوط با امام علی نقی است نرگس وقتی وارد خانه امام علی نقی میشود و در پرده حجاب حرم داخل میگردد با شوق زیاد منتظر دلدار بود که

چشمانش بناگهان بچهره زیبای امام حسن عسکری (ص) روشن
 میشود مانند اینکه دنیای را باو داده اند و راستی عجیب است
 همان جوان خوبروئی که شبهای زیاد در خواب میدید همان بود
 شوق دیدار او را بحالت رویائی داشت آیا باز خواب میبینم
 خلاصه امام او را بعد فرزندش در میآورد که صاحب الزمان (ع)
 ما از همان مادر متولد میشود و شیخ صدوق و علامه مجلسی
 مینویسد . در موقع تولد امام زمان عطسه نمود اکثر ائمه مورخین
 ذکر میکنند که ذکر خداوند و کلمه تشهد میگفت و از خردسالی
 حرکات شگفت آورا از آنحضرت دیده میشد از قبیل سلام کردن
 و خندیدن و راه رفتن و ذکر خدا کردن البته بعد رشد حرکتی
 هنوز نرسیده راه میرفت این طرز رشد را البته شما میدانید پیغمبر
 که میان مردم استثنائی از لحاظ رشد مغزی و فکری دارد اگر
 اینرا قبول دارید پس رشد سریع و غیرعادی و زودرس را هم
 باور نمائید .

باز هم درباره فرقه های باطل و عامی ها

=====

۱- زیدیه - که پیرو ابوالحسن زید علی هستند که بر علیه ادیان قیام کرد و حاکم عراق را کشت و خود او کشته شد هشام عبدالملک دستور داد او را از قبر در آورده بردارزند سپس ولید خلیفه بعدی جسدش را آتش زد و خاکسترش را بر باد داد سال ۱۲۱ هجری .

۲- طرفداران ابومسلم - که در سال ۱۳۷ بدست سفاح خلیفه کشته شد که همان ابومسلم معروف خراسانی است و طرفدارانش او را قائم میگویند .

۳- در سال ۲۹۷ شخصی بنام ابو محمد عبداللهمهدی دعوت مهدویت کرد و در سال ۳۴۴ فوت نمود و در افریقا پیشرفت کرد و طرفدارانش او را هم مهدی قائم میگویند .

۴- العنقع که یک چشم نداشت و چون مقنعه‌یا (نقاب) داشت بدین اسم نامیده شد و از چاه ماه در میا آورد که میگویند جیوه بود که یک حقه علمی میزد و در طلسم و کیمیاگری مهارت داشت ماله نخب مشب معروف که گاهی شعرا در شعر میآورند از کارهای اوست و در سال ۱۴۰ وزیر و امیر خراسان عبدالجبار شده بود و ادعای

پیغمبری کرد سپس خود را در تنور انداخت و سوزانید پیروانش معتقدند ظهور مینماید .

۵- کیسانیه که گفتیم طرفداران مختارند و محمد حنیفه را که فرمان جنگ را بامضاء او گرفته بودند امام میدانند در حالیکه این فرزند حضرت علی علیه السلام بامامت نرسیده بود چون کیسان اسم پدر مختار بود این فرقه را کیسانیه میگویند . البته تواریخ صراحتاً "ننوشتند خودش ادعای مهدویت کرد و پیروانش چنین گفتند .

۶- در سودان و خرطوم مردی بنام مهدی سودانی ادعا کرد که مهدی است چهار جانشین داشت در سال ۱۸۸۱ هجری .

۸- خفشانیه - که در شهر مشهد مقدس شخصی بنام سید محمد مهدی ادعا کرد که زمان فرخ سیر پادشاه هند بود که او را با خود هم دست کرد و کتابی بنام (قوزه مقدسه) نوشته شبیه کتاب بهائیان است .

۸- در زمان (الجایتو) سلطان محمد خدا بنده معروف شخصی قیام کرد بنام موسی الکردی که اهل کردستان بود و

بدست خدا بنده گشته شد .

۹- در سال ۹۵۵ شخصی بنام علانی که صوفی بود

ارشاد میکرد و بعدها سعی نمود که ادعای مهدویت کند .

۱۰- در سال ۱۲۰۳ شخصی در مسجد الحرام ادعای

مهدویت کرد بنام بنگالی که بدست حاکم مکه گشته شد .

۱۱- در بخارا مردی بنام ابوالکرم وارانلی ادعای

مهدویت میکرد که بدست یکی از شاهان مغول گشته شد و شعله‌ور

بازی رامیدانست تا ۶ هزار نفر طرفدار او جمع کرده بود .

۱۲- نرمانی که صوفی بود در اناطولی ادعای مهدویت

نمود در سال ۶۳۷ در زمان سلطان سلیمان قانونی معروف عثمانی

بدست کیخسرو و امیرقونیه گشته شد .

۱۳- باز در زمان سلطان سلیمان قانونی شخص دیگری

بنام بایزید ترکانی قیام کرد کتابی بنام قرآن به نظم ترکی

نوشت و ادعای مهدویت کرد .

۱۴- غلام احمد قادیانی که ادعای مهدویت کرد و

به مسیحیان میگفت من مسیح هستم بمسلمانان هم میگفت

بهایگری و بابیگری

ادعا کرد او از دانشمندان بلخ بود و کتابی در فضایل اهل بیت

دارد .

۱- شیخیه و بابیه و بهائیه که مفصلاً " تاریخچه آنها

نوشت شیخیه پایه گذار این مسالک هست اما بهائیه

دارد که خواهیم نوشت .

بهایگری و بابیگری

=====

بچند دلیل بطلان آنرا ثابت مینمائیم .

۱- بطور کلی دین نیست، زیرا تمام موازین و قوانین یک دین در او

صدق نمیکند مذهب هم نیست مسلک است، مرام است (بعدها

در باره عدم انطباق دین صحبت میشود) .

۲- وسیله دست خارجی دست که بموجب شرایط داخلی

ایران آن زمان بوجود آمده است (در جای خود داستان زندگی

پرنس (دالکورکی را خواهیم گفت) .

۳- آیات قرآن را یا بطور ناقص میخوانند و ناقص عمل

میکنند و نیمه کاره مینویسند یا تحریف مینمایند . (که در جای

خود دلیل و مدرک خواهیم آورد) .

در حالیکه مادینی از شعبه دین اسلام نداریم که قرآن را

تفسیر دهد یا کم و زیاد کند .

۴- اکثر احکام آنها مخالف با اصول فقهی است (بعداً

ذکر خواهیم نمود) .

۵- مهدی قائم آنها اول ادعای امامت بعد پیغمبری و خدائی

نمود .

۶- مهدی قائم آنها توبه کرد و پشیمان شد و عین توبه

نامه در کتابخانه مجلس موجود است .

۷- آنچه ادیان دیگر پیش بینی میکنند که حضرت قائم

خواهد آمد منطبق بر دین آنها نیست .

۸- در این دین فساد جزء مذهب است زیرا چیزهایی که

دین اسلام حرام کرده آنها حلال نموده اند و قانون شرع را

عوض کرده اند .

۹- فرقه های با بیه و بیهائیه هیچگونه رسمیتی در بلاد اسلام

و هیچیک از مراجع دینی جهان نداشته و ندارند توضیح اینکه بعد

از ذکر فرقه‌های باطل در قرون و اعصار مختلف صاحبان مذاهب بزرگ دیدند ایمان محکمی در مسلمانان بخصوص شیعیان است از طرفی اتحاد و همبستگی کامل دارند سعی کردند در آن نمایند و تشتت در دین اسلام در اندازند لذا مبلغین مسیحی که آن موقع تبلیغات زیاد میکردند در لباس روحانیون ایران درآمدند که هم از طرفی جاسوسی اجنبی را بنمایند و از طرف دیگر بتوانند رخنه‌های در دین ماکنند و دین و ایمان محکم مسلمان، زاده‌ها را تبدیل به حالت سستی نمایند بصورت فرقه‌های شیخیه و بابیه و ازلیه و بهائیه درآمدند.

در اواسط قرن نهم محمد مشعش (سید) در خوزستان ادعای مهدویت نمود و مقالات بسبک قرآن نوشت و آیات قرآن را بانوشته‌های محمل خود مخلوط کرد.

فرقه شیخیه

=====

بعد از جنگ جهانی اول هر کدام از کشورهای دنیا ابتداء از فرانسه بکار دست اندازی بکشورهای دیگر شده سپس انگلیس

و بعد روس سعی کردند بوسیله رخنه در دین اینکار را بنمایند
 بخصوص که خرافات مسیحی را کسی توجه نداشت کشیشان به
 لباس ادیان دیگر بخصوص اسلام درآمدند. در زمان ناپلئون
 علاوه بر لشکرکشی میخواست بوسیله تبلیغات مذهبی نیز دنیا
 را تحت استیلا بگیرد. در ابتدای قرن سیزده هجری در یزد،
 شخصی طلبه پیدا شد که در مسجد مرتب عبارت و گوشه گیری،
 مینمود مردم سعی میکردند به دورش جمع شوند پس از بدست
 آوردن نفوذ نظر فتحعلیشاه را جلب نمود و خرافاتی پخش می
 کرد شبیه خرافات مسیحی بود در کتابی بنام (شیخگیری و بابیگری)
 بطور مفصل شرح احوالش آمده است بعدها در انتهای کتاب
 یا واسط آن اسم اصلی این آقایان که دین میتراشیدند و خو
 خارجی بودند نوشته خواهد شد که به ریشه جاسوس بهر لباس
 در خواهد آمد و کلمه رکن رابع یا چهارم را میان مردم شایع
 کرد که هر کس هر عا شنیعی نماید و واجبات دین را هم ترک
 کند خداوند بهمان معرفت رکن رابع او را قرین رحمت و بخشش
 خواهد نمود.

البته عقیده بگناه و غیره در فرقه‌های بعد از اسلام تاحدی هست و نه باین شکل افراطی خلاصه تمام مجتهدان کشورهای اسلامی تکفیرش کردند و ناگهان ناپدید شد اما نتیجه آثار و یادگارهای بعد از او خرابکاری در دین ما رواج و شیوع بعضی پلیدیها و رها کردن کارها صالح و خوبست .

کشفیه

=====

طرفداران سید کاظم رشتی هستند که نامش را سید کاظم گذاشته و از اهل روس بود از اعتراف و اقرار آن خارجی بنام کیسار دالکورکی چنین معلوم گردیده است چون لهجه روسی شبیه گیلانی است لذا خود را رشتی نامید چون بزبان آنها شبیه بوده است . اما آنطور که مورخین مینویسند اهالی گیلان او را نمی‌شناسند و در کربلا مرد و هم آنجا مدفون شد عقیده ، کشیش فوق خونریزی زیاد در کرمان و شیراز و تبریز و همدان و اصفهان و مازندران ایجاد کرد از شاگردان سید کاظم رشتی هر کدام ادعای مهدویت نمودند بعد هم ادعای خدائی

۱- بابیه

=====

از پیروان سید علمحید باب است که همان دالکوری ،
 مچ او را باز کرد پرونده او را روشن ساخته مذهب بابیگری را
 رایج نمود داد و در سال ۱۲۳۵ هجری قمری در شیراز ادعا کرد
 بمکتب شیخ احمد احسانی در شیراز گرویده شده است .

سپس ادعای کرد من مفسر قرآنم (کتاب احسن القصص)

را نوشت به ۱۱۱ سوره کتابش را قسمت کرد و سوره یوسف را بالای
 هر سوره خودش نوشت .

تحت عنوان ایتهای سوره یوسف آنچه چرندیات بنظرش

میرسد نوشت لذا این حدیث پیغمبر را که از ابن عباس روایت

شده اگر کاملاً " درست و بجانقل و قول شده باشد در حق او

جاریست که فرمود (من قال فی القرآن بغیر علم فلیتوبه مقعده

من النار) (یعنی هرکس قرآن را بدون علم و از روی جهل

تفسیر نماید برای تنبیه او خداوند نشمین گاهش را مرکز آتش

میکند - سپس توبه نامه ای نوشت بنامه الدین شاه میفرستد که

در مجلس موجود است بعد از آن توبه نامه دیوانه میشود که
مختصراً خواهم نوشت اما توبه نامه عین آن در مجلس شورای معلی
است . اما شفتگی روحی و فکری او در شهر بوشهر همه جا زبان
زد خاص و عام گردید و بوسیله دانی اش بکربلا فرستاده شد
در کتاب شرح و تفسیر سوره کوثر در آخر منکر خدائی و مهدویت
خود میگردد .

۱- (بتحقیق کافر شدند کسانی که گفتند من گفته ام که
باب و نایب خاص حضرت حجت الله هستم) .

۲- خدایا تو شاهی که من ادعای بابت نکردم چون

ناصرالدین شاه احساس کرد بدروغ متوسل شده در سال ۱۲۶۶
هجری در تبریز او را بدار آویخت .

توبه نامه باب

=====

فداک روحی الحمد لله كما هو اهله ومستحقه که ظهورات

فضل خود رحمت خود را در هر حال بر کافه عباد خود شامل

گردانید و بحمد الله ثم حمد الله که مثل آن حضرت را مشمول

رحمت خود فرمود که بظهور عطف و فتش عفو از بندگان و توجه به
 مجرمان و ترحم به یاغیان فرمود . شهد الله من عنده که این
 بنده ضعیف را قصدی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و
 اهل ولایت باشد اگر چه بنفسه وجودم ذنب صرف است و
 قلم موفق بتوجید خداوند جل ذکره و نبوت رسول او ولایت
 اهل ولایت اوست و لسانم مقرر بر کل منزل من عند الله است
 و امید رحمت او را دارم و مطلقا خلاف رضای حق را نخواسته‌ام
 و اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده و از قلم جاری شده غرضم
 عصیان نبود و در هر حال مستغفرو تائبم حضرت او را و این بنده
 را نطق الهی نیست که منوط به اذعائی باشد و استغفر الله ربی
 و اتوب الیه و بعض مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیلش
 بر هیچ امری نیست مدعی نیات خاصه حضرت حجت الله
 (علیه السلام) را مخصوصا " ادعای مبطل و این بنده را چنین
 ادعائی نبوده و نه ادعائی دیگری مستدعی از الطاف حضرت
 شاهنشاهی و آنحضرت چنانست که این دعا را به الطاف و عنایات
 بساط داقت خود سرافرازم فرمائید و السلام .

۲- ازلیه (ازلی)

=====

دو برادر بودند بنام میرزا یحیی و حسینعلی و پدرشان
میرزا بزرگ نوری معروف بود مریدان سید علی محمد باب بودند
که میرزا یحیی معروف به صبح ازل گردید طبق وصیت نامه علم‌حید
باب پس از او به درجه خدائی رسید .

علی محمد کتابی بنام بیان نوشته بود که انحطاط و اشتباهات^{تش}
را بعداً خواهیم نوشت چون کتاب ناتمام بود به صبح ازل سفارش
کرد تکمیلش کند . زمانی اتفاق افتاد که به ناصرالدین شاه سوء
قصد نمودند شاه دستور داد ۴۰ نفر از آنان زندانی شدند که
یکی از آنها برادر صبح ازل حسینعلی مؤسس (بهائیه) بود که
زندانیان در اثر اعمال شاقه مردند اما حسینعلی به وساطت سفیر
روس آزاد شد که در کتاب (مبین) صفحه ۷۷ عربی میگوید .
(ای پادشاه روس زمانیکه در غل و زنجیر و زندان بودم یکی
از سفرای قوم آزادم کرد .) صبح ازل در خود ما زندران بود که
بلباس درویشی باکشکول و تبرزین به بغداد فرار کرد و برادرش

که رئیس مسلک بهائیه بود پس از او با وساطت سفیر روس آزاد شد در بغداد باو ملحق شده در بغداد هر کس از طرفداران اینها ادعای مهدویت میکردند هر که صبح زود از خواب سر بر میداشت میگفت من مهدی هستم کم کم میگفت من خود خدایم . از قبیل (دیان) که بدست بهائیان کشته شد و میرزا محمد فرزندی ، معروف به (نبیل) و هندیانی و حسین جان و غیره که همه به وسیله بهائیان کشته شدند .

در اثر حرکات زشت و کارهای یاغی گری و فساد مردم از آنها متنفر شده بدولت ایران شکایت کردند .

دولت ایران به (عبدالعزیز) سلطان عثمانی نوشت که آنها را از بغداد تبعید کند لذا با سلامبول با بیان را تبعید کردند بعد در سال ۱۲۸۵ با درنه تبعید شدند دولت عثمانی ناچار شد دو برادر را از هم جدا کند هر کدام را بجائی تبعید نماید لذا میرزا حسینعلی را باتفاق سه نفر به (عکا) و میرزا یحیی صبح ازل را باتفاق چند نفر به (قبرس) فرستاد و طرفداران میرزا حسینعلی مریدان میرزا یحیی را در (عکا) کشتند

صفحه ۲۴۵ قرن بدیع قسمت دوم آمده است لذا فرقه بابیه
دو قسمت شد ازلی و بهائی .

بهایه یا بهائی

=====

نام میرزا حسین نام پدر میرزا عباس معروف به میرزا
بزرگ بود که در سال ۱۲۳۳ در تهران متولد شد . علوم و ادبیات
را در تهران آموخت بعد از آن حالت صوفیگری یافت و مانند
درویشان موی بلند می گذاشت در ردیف پیروان علی محمد باب و
مذهب بابیگری در آمد بعد از گذشته شدن باب هیجده سال تمام
تابع برادر خود صبح ازل شد بعد از آن از اطاعت وی و باب خارج ،
شد و خود را قائم خواند .

او ادعای قائمیت کرد که مانند مسیح رجعت مینماید این
جملات را تکرار میکرد و در آخر ادعای خدائی والوهیت نمود
نمود بالله .

حسینعلی بهاء ۴ کتاب بنام (ایقان و بدیع و مبین و
اقدس نوشته که رد کلمات آنها را بتدریج که خوانندگان خسته

نشوند خواهیم نوشت و ۵ پسر و سه دختر داشت . عربی غلط در کتابهایش بچشم میخورد و بین او و برادرش میرزا یحیی صبح ازل اختلاف شدیدی در گرفت تا اینکه شاه عثمانی آنها را از هم جدا کرد و حسینعلی را به قبرس و صبح ازل را به عکا تبعید کرد میرزا حسینعلی در سال ۱۳۱۲ قمری بسن ۷ سالگی فوت کرد و پسرش عبدالبها یا عباس افندی بجای او نشست .

داستان پرنس دالکورگی =====

کتابهای متعددی در این باره نوشته شده از قبیل (اعترافات کیساز دالکواکی) ۲- پرنس دالکورگی ۳- (امشی بحشرات بهائیان) ۴- گوشه‌های فاش نشده از تاریخ چند چشمه عملیات دالکورگی ۵- بهائیت گمراه را بشناسید و کتابهای متعددی دیگر از قبیل کشف الحیل و فلسفه نیکو وادیان و مهدویت و مهدی موعود که در همه این ۹ کتاب و غیره داستان یک جاسوس اجنبی را که آخر سر اعتراف بکارهای خود میکند و نشان میدهد که دین سازی گردد همه اینها را تیرنموده (باصطلاح) بجان

جامعه ساده و بی آرایش و بنجان اجتماع این دین عظیم انداخته است. در آن نوشته‌ها گزارشی است از دالکواگی که اظهار می‌کند در ژانویه ۱۸۳۴ وارد تهران شده است شرحی از قحط و غلا و بار امیدهد و تحصیلات خود را که حقوق سیاسی خواننده نوشته و در دربار امپراطوری هم نزدیک بوده نوشته ما مور شده بود مطلب جالب اینکه در یادداشت خویش مینویسد فارسی را آموختم اما چون زبان عربی پایه فارسی بود عربی را آموختم نزد شیخ محمد که کلبه حکیم احمد گیلانی بوده عربی خواننده است قواعد عربی را بخوبی آموخت بظاهر در دست شیخ محمد مسلمان هم شده و دختر چهارده ساله زیبای شیخ را با او میدهند بنام زیور یا عبارتی برادرزاده شیخ بود و هر چه منطق و کلام می‌دانست با او می‌آموخت در چهار سال کامل شد بمنزل مرشد میرود یعنی حکیم گیلانی او را بمنزل میبرد. در ماه رمضان میگویند تا صبح بیداری میکشید و سفارتخانه میدانست که او چکار میکند مینویسد میرزا آقاخان نوری هم در خانه همان شیخ احمد گیلانی می‌آمد و بستگان میرزا آقانوری که اهل نورند دختر میرزا حسینعلی

و میرزایحیی هم بودند که خیر به کیناز دالگورکی میدادند او هم به آنها کمک میکرد.

یکشب میپرسد ایران بآن عظمت چرا عقب افتاد و شیخ گفت کار اجنبی است یهود و مزدک نیز اثر داشتند. سستی ایمان مردم و دروغ و تزویر که در مذهب ما گناه بود رواج یافته است. سپس شیخ تاریخ و علل انقراض را برای کیناز دالگورکی یکبیک شرح داد در آخر شیخ فرمود: دین خدایکی است. ادیان یک هدف دارند و آن توحید است. اما اگر سنت محمد صلی الله رفتار شود سنت خداوند است سعادت بدست خواهد آمد.

هیچکس ایرادی با اصول خاتم النبیین نمیتواند بگیرد که تمام صفات خوب را رواج داد و گوشت خوک و مسکرات و مشروب مستی آوز را حرام کرده است.

سپس این خارجی فهمید که میرزا ابوالقاسم قائم مقام یا حکیم احمد گیلانی رفت و آمد و دوستی دارد که دشمن خود شایسته تصور نمود باید او را از بین ببرد و مطالب را بسفارتخانه روس —

گزارش داد که (راپورت نوشته) سفیر هم مواجب او را دو-
برابر کرد .

از روی حسادت به سفیر خبر دادند که او مسلمان شده عمومه
و عبا گذاشته نعلین زمرد هم می پوشد سفیر گفت کاری بکار او
نداشته باشید (یعنی قلابی است) . ماهی ده تومان به شیخ
محمد پول میداد و از پس انداز آن پول اطاق و حمام در خانه اش
ساخت .

میگوید هر ترقی علم را در ایران در همان لباس اخوندی
که بود کفر قلمداد میکردم بعد میگوید پس از فوت فتحعلیشاه ظل
السلطان را تحریک نمود ه ام که ادعای سلطنت کند و غافل از قرار
داد دولت من با عباس میرزا بودم به بینید تا چه حد این
جاسوس اجنی که در لباس روحانیت خدمت میکرد در ایران حتی
ببالا ترین جاهم دست داشت بعد میفزاید (هر کس که با دولت
های فرنگ بندوبست میکرد فوری زیر آب او را میزدم) بسیار-
مورد توجه سفارتخانه دولت خود گردید از آن طرف زیور هم برایش
یک پسر کاکل زری آورد- حتی اسم پسرش را هم که بنام علی کیناز

دالگورکی باشد بدولت متبوع گزارش داد .

از شیخ احمد گیلانی سؤال کرد آیا در دین اسلام شعبات و تفرقه هست ؟ او از صدر اسلام تا آن زمان همه را شرح داد . و گفت همه یک هدف دارند جریان حضرت علی ع را که حق با او بود الی آخر گفت (کیناز دالگورکی) میگوید بفکر افتاد ، چگونه در این دین تفرقه اندازم - میگوید ماه رمضان تمام شد اما من چند نفر را برای نفاق تربیت میکردم یکی میرزا حسینعلی را میگوید و یکی میرزا یحیی صبح ازل سپس از خوبی ایرانیان تعجب میکند و میگوید (واقعا " این ایرانیها آدم وطن پرستی هستند و راپورت چی گری را کار پست و نما می گری را کار زشتی میداتند خلاصه این نژاد بینهایت مغرور و وطن پرست و با ذکاوت هستند) ضمنا " اقرار میکند که در داستان قائم مقام دست داشته است و موجب سعایت بر علیه او گردیده میرزا حکیم گیلانی را هم خودش مسموم ساخته در گل نبات اوزهر قتالی ریخته (البته اکثر قدیمی ها چیزی میخوردند که پالوده قند و گل بنام گل قند است که گل نبات هم میگفتند) همسرش را بخانه یکی از علمای معروف

زمان میفرستاد تا جاسوسی کند و باعث ترورهای زیادی در ایران شده و همه را اقرار میکند . سپس از وبای ایران صحبت میکند و نشان میدهد که آنموقع مثل حالا که دولت بسرعت و دقت مواظب مردم هست آنموقع نبوده لذا پدر خانمش و همسرش فوت مینمایند و پیش از ۸ هزار نفر بمرض وبا در گذشته و طاعون را نیز مینویسد آمده بود — سپس از کارهای بد خودش نام و پشیمان شده که چرا موجب قتل امثال حکیم گیلانی آن عارف ربانی شده است . در اینجا مینویسد که مرا بروسیه خواستند و گراف سمینویچ سفیر روسیه در تهران علیه او زده بود و موجب شده تمام مستمری دوستانش از قبیل میرزا حسینعلی و میرزا یحیی از بین بروند که ایندو رئیس فرقه ازلی و بهائی بودند که معلوم میشود از این آدم حیره میگرفتند .

میگفت اغلب دوستانه که مرا دعوت میکردند ظاهری بود و برای مناب طلا اینکار را مینمودند — سپس از روسیه تاکید می کند که ماهیانه مستمری چند نفر از اقوام مرحوم شیخ محمد معلم و میرزا حسینعلی و میرزا یحیی را بپردازند .

در حضور امپراطور با لباس آخوندی نمایش میدهد و زنی
 راکه باندازه زیور بود با چادر و چاقچور و تنبان زری و آرخالق
 و سمبوسه دار و ترمه کشمیری و روبند و نعلین درست کرده نمایش
 نزد امپراطور روسیه میدهد که جالب بنظر میآید آنجا زنش را با
 عصا میزند . امپراطور بسیار میخندد . از امپراطور میخواهد به
 ایران مجدداً " برگردد کارهای خود را تکمیل نماید . در لباس
 و بنام آقای شیخ عیسی لنکرانی وارد کربلا شد . در سر درس
 آسید کاظم رشتی حاضر میشود بعد یک نفر طلبه را که نزدیک ^{لبش} منتر
 بود بنام سید علی محمد که جوان و رئیس فرقه بابیه باشد فریب
 میدهد و ماهیانه خوبی با او میدهد در باره سید علی محمد باب ،
 میگویند دوستی را رهان میکرد و شبهای جمعه علاوه بر قلیان
 چیزی مثل موم و آرخرد میکرد و به تنباکو میزد و سر قلیان می گذاشت
 من تقاضا کردم بمن هم از آن قلیان بده گفت هنوز قابل اسرار
 نیستی اما با اصرارید پوک که زدم دیدم تمام امعاء و احشاء
 ام میسوزد . پرسیدم گفت چرس است . جالب اینجاست که
 میگوید روزی در سر درس سید کاظم رشتی یک طلبه سؤال می

کند صاحب الامر کجاست؟ میگوید من نمیدانم شاید در همین مجلس باشد . اینجا کیناز دالگورکی میگوید مثل برق مطلبی بمغزم رسید که سید علیحمد که همان باب معروف باشد می گوید موقع پرس کشیدن حالتی پیدا میکند . یکروز موقع کشیدن چرس او خود را جمع کرده گفتم صاحب الامر نعوذ بالله توئی تصمیم میگیرم که (دکان جدیدی در مقابل دکان شیخیها باز کنم و اقلهء اختلاف سوم رامن در شیعه ایجاد کنم) (یک روز که از حمام درآمد گفت . (مرادست انداختی من پسر سید رضای شیرازی هستم مادرم رقیه موسوم بخانم کوچک و اهل کازرون است) . در جای دیگر کیناز دالگورکی میگوید : (آری سید بهترین آلت برای این عمل است) تشویق میکند که به تهران رود ادعای صاحب الزمانی کند او کمکش خواهد نمود خنده دارتر اینکه میگوید .

(ترس را از خود دور کن متلون مباش هر رطل ویایی

که بگوئی مردم قبول میکنند حتی اگر خواهر را ببرد رحلال

بعد مقداری دلایل بر اثبات وجود صاحب الزمان می گوید و ثابت میکند که ماده محدود است اما مال بشری حد و حصر و حدود ندارد پس در حرکت عالم و ستارگان ثابت میکند خدائی که چنین قدرت لایزال دارد میتواند امثال خضرو صاحب الزمان را سالها زنده نگهدارد اما کیناز دالگورکی گفت (از بیانات شمایقین من افزوده شد و فهمیدم که تو صاحب الامری) بالاخر و از او انکار و ازمین اصرار بالاخر هر گاه طلبی اش را بدست آورده او را باینکار وارد نمود سپس کیناز دالگورکی میگوید تعجب کردم که عده قلیل شیعه بر عثمانی و بر روسیه در جنگ پیروز شد فهمیدم که اتحاد مذهبی داشت در آخر میگوید (من بطریق اولی میتوانم یک مذهب جدیدی بنفع دولت متبوع خود سازم) بسید گفت ازمین پول دادن از تو دعوی امامت کردن اولین کسی که با وایمان آورد شیخ عیسی لنکرانی بود که خودش باشد لذا مردم دیدند یک روحانی با وایمان آورده ملاحظه میفرمائید اول او را بتهران فرستاد وقتی او دعوی امامت و صاحب الزمانی میکند خودش بنام

شیخ بزرگ شیخ عیسی لنکرانی می‌رود حضور مردم باو ایمان نشان
میده‌د که گول بخورند افراد ساده لوح باو گرویدند وقتی دولت
مخالف می‌فهمد او جاسوس روسیه است سعی میکند از او مدارک
گیر آورد لذا یک نامه پستی او را بدست می‌آورد و او ناچار بفرار
بروسیه میشود و بفول معروف پته‌ها روی آب می‌فتد دو باره در
سال ۱۸۴۵ وارد ایران میشود مینویسد دوستان سابق میرزا
حسینعلی و میرزا یحیی و میرزا رضاقلی دروش جمع میشوند .
بعد مینویسد سید علی مجد در بوشهر چند سالی ریاضت
میکشد . بعد بشیراز می‌رود و دعوی مشیری و نیابت امام زمان
میکند (اولین کسانی که برضد او برخاستند کسانش بودند .
مدتی علماء با او بحث میکنند سید بیچاره را چوب می‌زنند) .
و از شیراز بیرونش میکنند و عاق پدر و مادر می‌گردد و با صفهان
می‌رود . از اصفهان او را می‌گیرند روانه تهران میکنند در آنجا
مینویسد (منهم) بوسیله میرزا حسینعلی و میرزا یحیی و چند
نفر دیگر در تهران هوو جنجال راه انداختم که صاحب الامر را
گرفته‌اند) (دالگورگی مینویسد چون سمت وزیر مختاری داشت

نتوانست کمک زیادی باو نماید آنوقت مفهمید منصورالعلماء
از او تحقیقات مینماید در جواب علماء و عاجز و درمانده شد و
در همان مجلس توبه مینماید (بعد خودش میگوید بناصرالدین
شاه گفتم اشخاص مزور و دروغگورا باید بسزای خود رسانید ولی
ناصرالدین میرزا امر نمود سید را بدار کشیدند و بعد میگوید
میرزا حسینعلی و میرزایحیی را گرفتند او وساطت کرده آنها
را باسلامبول میفرستد و مینویسد که چون نتوانست کار را نیمه
رها کند میرزا حسینعلی و برادرش صبح ازل را مرتب تحریک
میکرد کار او را ادامه دهند و مینویسد (در بغداد تشکیلاتی
دارند و کاتب وحی درست کردند) .

بعد مینویسد پول زیادی بآنها میداد اما یکمرتبه ، نمیداد که
(میرزا حسینعلی وجوه را برداشته و فرار کند . . اینها از یاد
داشت های دالگورکی است) (یکمشت مردم عوام را جمع و جور
کردیم دولت عثمانی آنها را با درنه فرستاد لوائح آنها به
وسیله وزارتخانه خارجه برای آنها تهیه میشد) .

بعد میگوید مردم بیسواد را میفرستیم آدمهای بی اطلاع

راگول میزدند کینازدالگورکی مینویسد (میزرایحیی ازبرادر
جدا شده بطرف قبرس رفت و در آنجا متاهل شد و خود را صبح
ازل نامید) و مینویسد . ما تصمیم گرفتیم عباس پسر حسینعلی
را بگذاریم درس بخواند عباس با ذکاوت تر از پدرش بود .
(البته عباس افندی را میگویند) . (لابد شدیم بابی را
تبدیل به بهائی کنیم) . صراحتاً میگوید هر کس در تهران
بهائی میشد با و کمک و مساعدت میکردیم . چون در تهران
رسم شده بود اشخاص را تکفیر میکردند آنها وازدهها را بدور
خود جمع کرده بهائی میکردند .

گاهی عمداً کسی را می گذاشت تا تکفیر شود بعد خودش
میفرستاد او را مانند صیدی جلب کنند پس ملاحظه میفرمائید
بچه طریق بهائیگری در ایران رواج یافت و با دست چه
عناصری ؟ در آخر مینویسد در یادداشت خود که :

(تا اینجا کار من به خاتمه رسید و گزارشات خود را به
وزارت متبوع دادم و اختلاف دین جدید را در دین اسلام
درست نمودم تا خود آنها بادکان جدید خود چه کنند) .

دین بهائی دین نیست مسلک و مرام است

=====

برای اثبات این مدعا دلایل زیر را می‌آروم .

هر دین رسمی سه حالت باید داشته باشد :

- ۱- ادیان قبلی بشارت در بوجود آمدن آن دین بدهند .
یعنی پیغمبران گذشته یا حداقل یک دین گذشته تصدیق کند
که بعد از من چنین پیغمبری یا چنین دینی و چنین کتابی
خواهد آمد که همه ادیان چنین بودند .
- ۲- معجزه داشتن . بدی معنی چون صاحب وحی و امام هستند
باید چیزی از خود نشان دهند که دعوی آنها را ثابت کند
اکثر پیغمبران چون صاحب الهام بودند اما خود چیزی خارق
العاده و حرکتی نشان دادند که دیگران از آن عاجز بودند .
- ۳- اثبات گفتار ادعا کننده آن دین . بدی معنی که بتواند
صدق گفتارش را برای همه ثابت کند البته ممکن است در
اثر ریاضت مانند هندیان و جوکیان هندی کار خارق العاده
کنند اما فقط همانطور که درباره اشخاص و صلاحیتشان تحقیق

میکنند دین چنین است .

بنابر این پاب را در حضور ناصرالدین شاه و علماء وقت
تحت این آزمایشات و نظایر دلایل بالا در آوردند و دانست
که دروغ میگوید و باطل است من الان الی یوم القیمه .

آزمایش خدا

=====

خداوند همه را در بوته آزمایش میگذارد .

تطورات عقیده‌ای و تحولات عقیده مذهبی و فساد اخلاقی و
سستی عقیده و افکار نسبت به خدا و خاندان رسول همه شایع
میشود اما باید از کشاکش این بحران ها و انگیزه‌های دینی ایمان
خود را محکم نگه داریم و فرزندان خود را خوب پرورش دهیم
و آنها حلال و حرام را بفهمانیم - بدونیک زندگی را با آنها
نشان دهیم تا سعادت آینده نصیبشان شود تا خودمان هم رؤسفید
باشیم تا موقع ظهور حضرت صاحب الزمان بگوئیم ای سید
جلیل القدرای قائم بزرگ و وصی خدا ما پاک مانده ایم ما فریب
رنگهای عقاید دینی اشتباهی و تباهی را نخورده ایم و در رکابت

حاضریم .

مباحثه جالب باب

=====

در حضور ناصرالدین شاه و مجتهدین . نظام العلماء

سؤال میکند شما چه ادعائی دارید ؟

پاسخ باب . من همان قائم موعود هستم که هزار سال

است شما انتظار اورا میکشید و چون اسم او رامی شنوید با احترامش

قیام میکنید و مشتاق لقای او هستید من میگویم اطاعت بر

عموم مردم از شرق تا غرب واجب است .

در اینموقع ملا محمد علی ما مقانی گفتند ای جوان بد بخت

شیرازی عراق را خراب کردی آمدی آذربایجان را هم خراب کنی ؟

باب جواب داد بمیل خودم نیامدم شما احضارم کردید

نظام العلماء دو باره گفت آیا شما مدعی مقام بزرگی هستید

باید دلیل قاطعی بر صدق ادعای خود اقامه کنید .

باب جواب داد . قویترین دلیل گفتار حضرت رسول

الله و آیات الهی است همانطور که در قرآن فرمود . (اولم

یکفہیم انا انزلنا علیک الکتاب (و خداوند این دلیل محکم
را برای صحت ادعای من بمن عنایت فرموده است . چنانچه
در مدت ۲ روز و ۲ شب آیات الهی از لسان و قلم من جاری
میشود .

نظام العلماء گفت . در وصف این مجلس مانند آیات
قرآنی آیاتی بفرمائید تا حضرت ولیعهد و سایر علماء شاهد
برهان شما باشند .

باب گفت . بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذی
خلق السموات والارض ناصر الدین شاه میرزا در جواب دید که
قرآن را غلط میخواند و کلمه سموات را بد خوانده و خودش نزد
معلم خصوصی نحو خوانده بود فوری این شعر را از الفیه مالک
در جوابش خواند . البته میدانید که ناصر الدین شاه در وصف
امام حسین ع اشعاری دارد .

معنی شعر این بود که جمع الف و ت را در حالت نصب
چگونه بخوانیم باب در جواب گفت . قرآن کریم از قانون نحو
پیروی نمیکند در حالیکه میدانست قرآن از اشعار تمام شعرای

آن زمان بالاتر بود و نحو کامل است .

در این موقع نظام العلماء یکمشت نامه از جیب خود در

آورد گفت اینها نوشته های تو نیست ؟

باب در جواب گفت این نوشته ها کلمات خداست .

نظام العلماء گفتند شما با این گفتار شجره را طوری نامیده اید

این حرف یعنی چه ؟ .

باب گفت . آفرین بر شما سخن همین است و جز این

نیست .

نظام العلماء گفتند این شما هستید که خود را بـباب

نامیده اید یا مردم گفته اند ؟

باب در جواب گفت نه مردم نه عوام بلکه این لقب را

خدا بمن داده .

نظام العلماء گفتند چیزی اما ناصرالدین شاه فرمودند :

اگر توانستید ثابت کنید من از این مسند ولیعهدی فرود می آیم .

باب در اینجا سکوت کرد :

نظام العلماء گفت (مگر نمیدانی خاتم الانبیاء فرمودند

(انامدینه العلم وعلی بابها) که حضرت علی را میفرمودند
که من شهر علم هستم وعلی در آنست و حضرت علی (ع) را می
السلام نیز فرمودند (سلونی من قبل ان تفقدونی) حال تو
باید بسئالات پزشکی مانیز جواب دهی .

باب گفت : من از علم طب اطلاعی ندارم .

نظام العلماء گفتند از فقه سؤال میکنم از مقدمات این
علم که صرف و نحو و معانی بیان و منطق است .

باب گفت من در کودکی صرف خوانده ام و حالا هیچ به
خاطر ندارم .

نظام العلماء گفت این آیه را تفسیر نمائید :

در اینجا نظام العلماء ۲ آیه قرآن را خواند باب سکوت ،

کرد و پاسخ آنرا نمیدانست و یک مسئله شرعی را عبری خواند
باز باب سکوت کرد .

نظام العلماء گفت تو باید از خود معجزه و کرامت نشان

بدهی .

باب گفت هر چه خواهید طلب کنید .

نظام العلماء گفت شاه ایران نقرس دارد ایشان را نجات

دهید .

باب در جواب گفت این کار غیر ممکن است .

ناصرالدین شاه هم یک معجزه خواست و باب در جوابش گفت

ممکن نخواهد بود همانطور در مقابل سئوالات و اماند .

نظام العلماء گفتند این سید دیوانه است نه معجزه دارد

و نه کرامت (رو بحضار مجلس نمود) .

باب خشم آلوده گفت این چه سخنی است من همانکس

هستم که هزار سال انتظار میکشیدید .

نظام العلماء گفت تو مهدی موعودی .

باب گفت بله .

نظام العلماء نام شما چیست ؟ و پدرتان کیست .

باب خود را معرفی نمود نام پدر و مادر خود را گفت .

نظام العلماء گفتند اما شیعه اثنی عشران انتظارا ما می رامی

کشید که نامش محمد است و پدرش حسن و نام مادرش نرگس و

در هزار سال قبل بدنیا آمده این شرایط با شما منطبق نیست

باب : من معجزه دارم .

نظام العلماء اعجاز خود را بیان کنید .

باب من روزی دو هزار بیت مینویسم این از قدرت شما

بیرون است .

نظام العلماء گفت . این تند نویسی است نه معجزه .

باب گفت . البته و سکوت کرد .

ملا محمد مامقانی پرسید شما ادعائی کرده اید اولین کسی که

بشما ایمان آورده نوکر محمد علی بود و پس از علی و محمد

بالاترید .

باب مضطربانه بازه خاموش شد .

عبدالکریم ملا باشی گفت . خدا در قرآن فرموده : اعلّموا انما

غنتم من شیئی فان الله خمسۃ والرسول و شما در کتاب خود

نوشته اید ان الله ثلثه به چه دلیل فرمان قرآن را نقص

کرده اید .

باب گفت . آخر ثلث نصف خمس است .

در این جا حضار با صدای بلند خندیدند .

مامقانی گفت . گرفتم ثلث نصف خمس باشد بچه علت

در آیات قرآن دست برده‌اید .

باب چشمانش پراز اشک شد و سکوت کرد .

محمد جعفر . شما می‌خواهید شریعت اسلام را فسخ کنید ولی باید

از کار خود توبه کنید والا ما باید با شما مانند یک انسان مرتد

و مردود که با او کاری نیست رفتار کنیم ما آمده ایم تا نواقص

قرآن را برای ما بیان کنید .

باب - بالبخند باید برای اینگونه مسائل مقدماتی

چید که فعلا " مقدور نیست .

ملا جعفر گفت حضرت مسیح چگونه به آسمان صعود

کرد ؟

باب گفت جوابش بیک وقت وسیعتری احتیاج دارد .

مامقانی یک آیه از قرآن خواند .

ناصرالدین شاه میرزا گفت (به باب) این یاوه گوئی را کنار

بگذار تو از آفتاب بوشهر دیوانه شده‌ای و از علمای مجلس رأی

خواست علماء اورا بعلت جنون محاکمه و مجازاتش را تنبیه

بدنی خواستار شدند و بنابدستور ناصرالدین شاه او را فلک نمودند . سیدباب به عجز و لاپه افتاد و سپس او را بزندان چهر بقی باز گردانیدند .

اسنادی بر ضد بهائیان

=====

قبل از اینکه این اسناد را بنویسم شما را شاهد میگیرم . به بینید چگونه یک خارجی که لباس ایرانی و لباس روحانی پوشیده بود یک نفر ساده لوح را فریب داده و بمیدان انداخت بعد خودش را کنار کشید مانند جوانان شوخ و سبکسری که یکی را دست میندازند و بانواع لطایف الحیل آزارش کنند باب را چنان آلت قرار داده طوری تحریک کرد که حتی حضور جمع علماء و شاهزاده مملکت باز بگوید من صاحب الزمانم در آخر یادداشتش طوری وانمود میکند که صلاح بر این بود که او کشته شود چرا که آبرویشان را برده است .

خبر او میترسید که در اثر فشاری که در مقابل اهل فضل قرار گرفته بر او وارد شده به لکنت زبان افتاده ناچار شود اقرار

کند که مرا یکنفر خارجی عضو یک سفارتخانه خارجی تحریک کرده و بمیدان انداخته است باز بگوید مرا فریب دادند به من مواجب میدادند وقتی دید کارم بالا گرفت مردم ساده لوح که ایمانشان محکم نبود مرا پذیرفتند ناچار شدم بقول امروزیها دور بردارم از مقام امامت به پیغمبری و سپس مدعی خدائی شوم این مردم هستند که ایمان ندارند این مردم هستند که رشته دینشان محکم نیست بهر بادی مثل بید میلرزند و گرنه دولت که اقداماتش را کرده است شاه وقت و ولیعهدش را مامور کرده یک بحث علمی اول بکنند وقتی دیدند بهیچ صراطی مستقیم نیست ، او را کشتند و خود کیناز دالگورکی با لحن مسخره ای در یادداشتش مینویسد طناب دار پاره شد او به توالت پناه برد یعنی مقام او را پائین تر آورد و حقیرش نمود .

باز اسنادی برضد بهائیان

=====

در این کشاکش تحریک و تشکیل بهائیگری و بابیگری پرنس دالگورکی گزارشاتی داده به سفارتخانه خود که بدست

آورده‌اند بدینقرار .

۱- پرونده شماره ۱۷۷ مربوط به سال ۱۸۴۹ صفحه
۵۶۲۶۸ دالکوری به وزیر امور خارجه بنام نرود در ۲۵ دسامبر
۱۸۴۸ شماره ۹۶ راجع به نایب امامی سید باب به ساری و بار
فروش واعزام قوای دولتی (البته خوانندگان میدانند موقعی
که حکومت تزاری جهت رسوا کردن آن حکومت بعدی آنچه
اسناد و مدارک بود لو دادند من جمله دین سازی در ایران .

۲- پرونده شماره ۱۱۰۷ تهران سال ۱۸۴۸ صفحه ۴۹ و
۵۰ سفیر دالکوری به وزیر خارجه ۳ فوریه ۱۸۴۸ شماره ۶ راجع
به اخراج سید باب از اصفهان و پیشگوئی در هجوم ترکمنها
بایران .

۳- پرونده شماره ۱۷۷ تهران ۱۸۴۹ صفحه ۱۶۲ گزارش
دالکوری به وزیر خارجه ۲۸ مارس ۱۸۱۹ شماره ۲۷ در مورد
حرکت سلیمان خان افشار و رسیدگی بر علمیات عیسی خان .

۴- پرونده شماره ۱۳۳ تهران ۱۸۵۰ صفحه ۳۷ شماره،
۱۶ راجع باغتاش بابیها و نگرانی دولت معلوم میشود که از

۹۹ ————— بازاسناد بر ضد بهائیان

نگرانی دولت آنهالذت میبردند .

۵- پرونده شماره ۱۳۴ تهران ۱۸۵۰ صفحه ۵۷۷ تا

۵۷۹ گزارش دالکورگی ۲۳ سپتامبر ۱۸۵۰ شماره ۷۸ راجع ب

خونریزی زنجان غلامباشی سفیر روس .

۶- پرونده شماره ۱۷۸ گزارش دالکورگی صفحه ۱۷ تا

۶۰۸ راجع به ادعای بهائیان برای حکومت مملکت .

ضمناً " این اسناد از کتابی بنام (ایوانف) در سال

۱۹۳۹ چاپ شده بود ترجمه و نشریه فرهنگستان علوم شوروی

هم جلد- ۳۰ لینگراد بفارسی چاپ کرده بود (نقل از کتاب

مهدی موعود ۱۷۳ تا ۱۷۷)

زمامدار آینده جهان

=====

همانطور که گفتیم همه ادیان بشارت داده شده است

که آخرین بار مصلحی خواهد آمد و جهان را در دست خواهد

گرفت البته این مصلح اهداف همه پیامبران را یکجا عمل

خواهد کرد و مجری نیات پیامبران بخصوص خاتم آن سروران

یعنی محمد مصطفی صلی الله علیه وآله خواهد بود .

۱- در سوره توبه آیه ۳۳ آمده است که معنی اش این است . (خداوند پیغمبری را بآدمین حق برای رهنمائی فرستاد تا بر همه ادیان دنیا پیروز گرداند اگر چه مشرکان دوست نداشته باشند) . که آن ظهور حضرت است اما هدفش اولاد پیغمبر بود یعنی یکی از اعقابش .

۲- در سوره مجادله آیه ۲۲ آمده است :

(خداوند چنان صلاح میداند که من و پیامبرانم بطور قطع پیروز و غالب شویم) که میخواهد بوسیله امام زمان در آخر بار پیروز شود بر شرک و شک و کفر و زندقه بخصوص فساد که منع نموده است .

۳- حضرت پیغمبر ما فرموده خدا روزی یکی از اهل بیت مرا بر میانگیزد که زمین را پراز عدالت کند که همانگونه که از وجود او پر شده است که مقصود امام زمانست .

۴- پیغمبر اکرم (ص) در جای دیگر فرموده (مهدی از

خاندان من و از خاندان فاطمه علیه السلام است)

۵- در سال ۱۸۳۸ (ویلیام لوید) امریکائی یک

حکومت ویک مرز ویک قانون ویک دین را برای همه جهان
پیش بینی کرد .

۶- گاریسون نویسنده شهیر ایتالیائی نوشته که تمام

هند

جهان باید تسلیم یک فرمانده شود لذا مردم با هم دوست خوا
شد و این همان حکومت است که پیش بینی شیعیان در مورد
صاحب الزمان (ص) دارد .

۷- در مدینه فاضله افلاطون و در مدینه فارابی هم

پیش بینی شده و افلاطون خیلی پیش از مسیح میزیسته .

۸- در نوشته های اهل سنت هم پیش بینی میشود که از

خاندان پیغمبر کسی خواهد آمد که مصلح و زمامدار جهان
خواهد بود .

۹- اکثر دانشمندان جهان که در اثر پیش بینی علمی

بمرحله اعجاز رسیده اند در نوشته های خود کسی را حدس می

زنند کدبر همه این نا آرامی ها انجام زند .

دین مآجهانی خواهد شد

=====

برنارد شاو کتابی دارد بنام (دین آیند جهان) و در آن با همه شوخ طبعی معروف خویش پیش بینی میکند که چون تمام موازین اخلاقی و علمی و آداب زندگی در دین ما جمع است حتماً " روزی این دین جهانی خواهد شد و آن ممکن نیست جز اینکه آخرین امام ما ، امام دوازدهم مآظهور کند .

۱۱- روزنامه لایت چاپ انگلستان مینویسد از زبان جرج

برنارد شاو که (تمام ممالک غربی عموماً " و انگلستان خصوصاً "

باید دین اسلام را بپذیرند) چون تشنت در اخلاق و آداب

اجتماعی از اثر لجام گسیختگی دربی دینی است لذا باید

انسان بیک ملجاء و مرجع و محل اتکاء بستگی داشته باشد .

برنارد شاو که مسخره کننده همه مذاهب بوده بهیچ دینی

حتی دین خودش پایند نبوده اینهمه خوش بینی و پیش بینی

در مورد دین ما دارد .

۱۲- او میگوید فقط اسلام ، آری اسلام میتواند بشر را

بمقصود نهائی خود برساند و میگوید ، (اگر انسان همان انسانی باشد که مظهر خداست باید تعالیم اسلام را بپذیرد .

۱۳- اضافه مینماید که انسانی که اسلام را بپذیرد سیاه

و سفیدورنگ و نژاد همه آسانمیداند .

۱۴- در بخشی که عبدالعظیم صدیق با برنارد شاو مینماید

روشن میشود که اسلام بزور شمشیر پیش نرفته فقط جائی که اعداء عمداً ارتدادوبی دینی نشان میدادند ،

متوسل بشمشیر میشدند حتی هست (لا اکرافی الدین)

یعنی در دین زور واکراه نیست .

۱۴- در کتاب (عذرتقصیر در پیشگاه محمد) نوشته جان

دیون راپورت نیز بسیاری از مطالب دین اسلام کاملاً "حلاجی شده و یک مسیحی دیگر غیر از دانشمندان بالا با اصول تعالیم ،

دین ما ایمان راسخ داشته و دفاع اتهامات منتسبه به پیغمبر اسلام را نموده دین ما را بحد بینش خود ستوده است که در

کتاب دیگری بنام (مذهب واتم) یا نقش دین در دینای جدید

مطالب آن کتاب و سایر نویسندگان را بطور تفصیل خواهیم

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۱۰۴

نوشت که بدانید دین اسلام دین جهان خواهد شد .

۱۵- از نوشته‌های برنارد شاو و جان دیون راپورت و

ونیک مسیحی دیگر بنام جودیسون کرملیوس مشخص میشود که این

مابا استدلال و منطق مردم را دعوت میکند به حقایق که در

پایان جهان حکومت صاحب الزمان همه جا حکم فرما خواهد شد

در قرآن آمده است .

(ادعالی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنه و جادلهم

بالتی هی احسن که معنی آن اینست .

با حکمت و پند و مباحثه به بهترین وجهی مردم را براه خدا

دعوت کنید .

۱۶- اسلام در هر امری از اخلاقیات و علوم و فنون و همه

رشته‌های علمی مطالبی گفته و علاوه بر اینکه کهنه نمیشود روز

بروز مطالب آن از لحاظ علمی به تحقیق میرسد و چنین دینی

است که جهانگیر خواهد شد و سرانجام قائم مآپهن دشت دنیا

را در دست میگیرد .

۱۷- اینکه خداوند میفرماید بفرشتگان مقربش که به

انسان سجده نمایند پس از اینکه شیطان سرپیچی نمود و طرد شد ملائک مقرب سجده کردند و پرسیدند پروردگارا، چه معنی داشت برانسان سجده کنیم؟

میدانید چه پاسخ شنیدند؟ او روزی از اثر علم مقرب خواهد بود و مرابتر میشناسد یعنی بوسیله علم مرا خواهد شناخت . لذا این در پایان آفرینش است که همه مردم فساد و تباهی را کنار بگذارند و بیک مبدء لایزال پی برند آنگاه با دلایل علمی میدانند که طبیعت توانائی آن ندارد که بیاید جهانی را اداره کند طبیعت ناتوان خود بدست خداوند اداره میشود آنگاه بشر صرف نظر از ترقیات تمدن جدید بخدا گرویده و فساد را خود بخود کنار گذاشته مانند امامان ما از ترس خدا می لرزد و راه مطلوب می پیماید در پرتو قائد و پیشوای بزرگ و جهانی ما صاحب الزمان (ص)

۱۸- برنارد شاد در آن کتاب بصراحت کامل از قرآن

تمجید میکند و نظم و ترتیب آنرا می ستاید و بر کتابهای مقدس دیگر ترجیح میدهد و تشویق بترجمه آن میکند و اثر آن را در

دلہایان مینماید و استحکام استدلال و منطق آنرا با شگفتی تمام بیان مینماید .

۱۹- پرفسور محمد حمیدالله مینویسد . (محمدصلی

الله بریک میلیون مترمربع حکومت میکرد که عربستان باین کوچکی ملاحظه میفرمائید چگونه بردنیای پنهانوری در حدود اروپا توانست از لحاظ دین حکومت کند کم کم زیاد تر شده است و در پایان بجائی خواهد رسید که دین حقیقی و دین واقعی دنیا شود و پاکی و اصول اتکاء مردم بدان گردد و این دین ایمانشان را در جهان پایدار و تکمیل خواهد نمود .

بطلان نوشته‌های باب و بهاء

=====

۱- در باره توحید پیغمبر اسلام میفرماید (ماهنامه
بندگان عاجز خدا هستیم و تنها در مقابل خدای توانا خضوع
و خشوع مینمائیم) و اسلام میفرماید - مبدء جهان و جعانیان ،
یکی خواهد بود . اما سید باب و میرزا بهاء بعد از همه کوشش‌هایی
که از زمان ابراهیم خلیل الله شده تا بحال و خود پیغمبر نیز

بت شکنی بکمک حضرت علی ع نموده بود (بعد از پایان ،
جنگ خیبر) تازه باب و بهاء جمله‌ای دارند مانند بت پرستان
که آورده‌اند عبد البهاء مینویسد شعری بدین مضمون .

کل الاله من شیخ امری تالهت

وکل الربوب من طفح حکمی تربیت

یعنی تمام خدایان در اثر فرمان من خداوند شدند و

تمام پروردگاران در اثر حکم من پروردگار شدند .

۲- رحالیکه اسلام و پیغمبر میفرماید لا اله الا الله

ولا اله هو الحی القيوم - اما در کتاب بدیع آمده است (صفحه

۳۴۱) . از نفس ظهور محتجب نمایی چه که مقصود بالغرات او

بوده و خواهد بود و اوست آیه لیس کمله شیئی و اوست لیس

کمله شیئی و اوست لم یلدولم یولدهل مظاهر لم یلدولم ،

یولد که مقصود خود میرزا بهاء است .

البته چون از ابتداء مرام و مسلک بهائیت در مردم

نادان و ساده لوح و کسانیکه علم اطلاع کافی از دین نداشتند

- توانستند رسوخ نمایند و فریبشان دهند . امر بر خودشان

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۱۰۸

هم مشتبه شده فکر کردند نمایند امام کافی نیست خود امانت ،
هم برایشان کافی نیست حتی درجه پیغمبری هم برایشان کم
است یکدفعه ادعای خدائی کنند که صرفش بیشتر است .

۳- در سوره زلزله آمده است آیه ۷۶ و ۸۰

یومئذ یصدر الناس اثنتا عشر ائمة و اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة -
خیرا " یره و من یعمل مثقال ذرة شریره . یعنی در آن روز مردم
از آرامگاه خویش بیرون می آیند تا نتیجه کارهایشان را مشاهده
کنند پس هر کس بقدر ذره ای خوبی کرده یا بدی نموده باشد .
اما بهاء میگوید .

بشنوید ای مردم از سوی فرزندان که دشمنان مرا احاطه
کرده اند آن کسانی که بروز قیامت و آثار آن و باعث علامتهای
آن منکر هستند آنان از کسانی هستند که بذلت راضی شده
که قیامت خود را قیامت نامیده است .

۴- روزه را ۱۹ روزه و نماز را ناقص و احکام ارث را که نص

صریح قرآن گفته تغییر داده اند که در سوره نساء بسیار عالی
راجع باین احکام آمده بروید کتاب بهائیان را ببیند چه

گفته‌اند درحالی‌که تمام قوانین ارث موبموشبیه قانون مملکتی است که در قرآن آمده است .

۵- در کتاب اقدس صفحه ۱۵ سطر ۱ مینویسد جمله‌ای که معنی آن اینستکه غناء (یعنی آواز) حلال است اما رقص حرام است اما شوقی اقلندی از نواده‌های اودر آکسفورد لندن بسیار عالی رقص آموخته بوده میرقصید و خانمهای پیرو آنها نیز قانون بهاء الله ~~و~~ زیرا زیبا گذارده‌اند و در مجالس خود رقص را رواج میدهند .

۶- در صفحه ۱۸ کتاب بهاء اله آمده است که قسمتی از آن را مینویسم .

من احرق بیتا "متعمدا" قاحرقوه ومن قتل نفس فاقتلوه .

(هرکس خانه‌ای را بسوزاند عمداً پس بسوزانید او را و هرکس

نفسی را بکشد او را بکشید .

البته اگر خانه گلی باشد جناب حضرت بهاء الله دستور

ميفرمايند! که آن آدم آن انسان را بخاطر یک خانه گلی به

سوزانید درحالی‌که در دین ما سوزاندن آدم بخصوص زنده یا

مرده وجود ندارد در دین بودا شاید و آن گهی چه حکم عالی
واقعا شق القمر کرده است .

۷- در کتاب اقدس صفحه ۹ سطر ۷ آیه ای دارد که اگر
مرد بسفر رفت زن تا ۹ ماه حق دارد صبر کند و اگر ۹ ماه گذشت
(لا باس علیها) یعنی باکی براو نیست (فی اختیار الزوج)
در اختیار کردن زوج اگر جنگ رفته باشد چه؟ یا سفرش ۹ ماه
بیشتر باشد چه؟ آیا این قانون پیغمبر است؟

۸- مسئله ای مهمی که هست در مورد حرام بودن است
که در آن در مورد حرمت محارم مطالبی تاکید فرموده اما بهاء
الله از خود قانون دیگری در آورده است که یکی از نشانه های
پیشانی آنهاست (قد حرمت علیکم ازدواج امهاتکم) یعنی
بر شما حرام شده زنان پدران شما حال یا نامادری باشد یا مادر
خلاصه اینها را حرام کرده در حالیکه در قرآن تماما " شرح داده
همه محارم را امروزه علم جدید هم دختر عم و پسر عم را که
حلال است نوشته ممکن است امراضی در خانواده باشد هموفیلی
که در ازدواج خطرناک است و ثابت کرده لذا ثابت شده که

ادیان مختلف بخصوص اسلام حق داشتند که ازدواج با محارم را حرام کنند.

ملاحظه میفرمائید علاوه بر آنکه بعلم جدید ژنتیک توجه ندارند هیچ اصل قرآن را هم برگردانده‌اند. البته در جای خود تحریف آیات قرآن را نیز چند مثال خواهیم زد که چگونه بنفع خود تغییر داده‌اند گمان میکند مردم قرآن نمیخوانند.

البته در این مورد بهائیان اشاره میکنند که بهاء اله چون میدانست آن بقیه حرامند دیگر نام نبرده اما در مورد پسر چطور؟ در مورد پسر گفته شرم دارم بیان کنم در صورتیکه میتوانست یک جمله بگوید (و بقیه را که قرآن حرام کرده) در این مورد چرا سکوت کرده است؟ باید قانون و مرام و دین آنها صراحت داشته باشد. تازه اگر یک بهائی زنای با محارم نموده باشد او را بدادگاه ببرند چه میگوید؟ خواهد گفت (در کتاب ما ننوشته حرامست)

۹- جمله‌ای است در صفحه ۲۸۸ کتاب بیان آمده است

که معنی اش اینستکه . (واجب است بر هر کس که متأهل شود تا زوی باقی بماند فردی که یکتا پرست است و باید که در این کار بکوشد و هرگاه یکی از طرفین مانعی پیدا نماید جایز است که بدیگری اجازه دهد که ثمره‌های آسکار نماید . ملاحظه میفرمائید که جدیدترین عقیده را آورده اند ماشین جوجه کشی را روسفید کردند باز اقلای می‌گفتند برای زن نازا اسپرم مرد دیگری تلقیح شود همه اعتراض میکردند حال که خود مرد دیگری را برای آن زن تجویز نموده است .

خیانت

=====

پناهندگی بسفارت روس چه معنی داشت ؟ از طرفی امتناع آن دولت از تحویل دادن میرزا حسینعلی بهاء که موجب تعجب شاه ایران شده بود که چه مقاومتی دولت خارجی از تحویل او دارد .

در کتاب ترن بدیع نوشته شوقی افندی صفحه ۳۳ اشاره میکند که (شاه ایران غرق تعجب شد) و همانجا مینویسد او را

شاه تسلیم نکردند . (سفیر روس از تسلیم حضرت بهاء امتناع ورزید) .

در کتاب مبین صفحه ۵۷ نوشته بهاء الله تشکرود عامیکند بدولت خارجه که (خاندان تومستدام باد) . در مکاتیب نوشته عباس افندی صفحه ۳۱۲ مینویسد . که (وزیر مستعمرات حکومت انگلستان وینستون چرچیل تلگرافی همدردی پادشاه انگلستان رانسبت بمرگ بهاء میرساند)

در صفحه ۲۳ کتاب خطایات در جلد اول مینویسد . (به زودی افراد ایران جان خود را برای انگلیس فدا میکنند) .
که مراتب سرسپردگی اینها ودین سازی که خارجیان در ایران کردند تا آن موقع هنوز ادامه داشت که این عده بدتر از همه تبلیغات هم مینمایند .

غیبت صغری یا کوچک

=====

از زمان غیبت صغری که سال ۳۲۹ است چند خلیفه با حضرت تماس داشتند و دستورات آنحضرت را بمردم ابلاغ می کردند . البته امام چون پیشوای و امام و ولی عصر است مرتب

با مردم تماس داشت و دستورات شرعی را میداد. دلایل غیبت آنحضرت و علت العلل اصلی آنرا در ابتدای کتاب آورده‌ایم که بعلمت عناد دشمنان نمیتوانست حاضر باشد خلفائی که با حضرت تماس داشته‌اند ۴ تا و بدینقرار بودند .

۱- عثمان بن سعید ، که خدمتگزار حضرت علی النقی

(ع) بوده همچنین در خدمت امام حسن عسکری ص بود از ۱۵

سالگی در خدمت امامان بودند پس از آنحضرت مورد اطمینان

اهل تقوای بود دستورات دینی ولی عصر را با مردم میرساند.

در بغداد مدفون و معروف است بشیخ خلایق .

۲- فرزند همان خلیفه اول محمد بن عثمان سفیر شد و

مرگ خود را میدانست و در تاریخ معین فوت نمود در سال ۳۰۵

در بغداد در خیابان (باب الکوفه) در بازارچه آنجا مدفون

است .

۳- حسین بن روح که معروف و در بحار الانوار مجلسی

جلد چهاردهم تاریخ زندگی و داستانهای سفارت او مفصلاً

نوشته شده است ۲۱ سال سفارت نمود در محله نوبختیه بغداد

مدفون است .

۴- علی بن محمد سمری آخرین خلیفه است پس از او
باب سفارت با امام مسدود شده است در سال ۳۲۹ وفات کرده
غیبت صغری ، با وفات او که همان سال است خاتمه می یابد
وارد غیبت کبری میشود (کبری) که هنوز ادامه دارد .

(از سفیر سوم کتاب بحار الانوار مجلسی ذکر مینماید
که همه ساله در زمان حج حضرت قائم در مکه ظاهر میشود و
همه مردم او را می بینند اما نمی شناسند اما روایاتی که شده گاهی
بخواب آدمهای خوب می آید با اشخاص کاملی که درون دلشان
و نیت شان پاک باشد بنظر آنها می آید فقط کسی ابراز نمیکند
که از حضرت قائم اطلاعی یافته یا او را دیده است چون در
دین ماسر نگهداری را جزو اصول دین حساب کرده اند ، از
طرفی می ترسند مردم آنها را تکذیب کنند شامه دلتان را
پاک نگهدارید تا حضرت بنظر تان آید - مقدار عبادت و مقداری
هم پاکی دل و خدمت بمردم لازم است .

نیایس وستایش خدا

=====

ای قبله‌گاه نیازمندان ای بی‌نیاز بخشنده جسم و جان

ای برتر از اندیشه‌های ژرف هوشمندان

ای پروردگار جهانیان و خلاق بیهمتای مهربان

ای پرتولایزال ابدی ای هستی بخش بی‌مثالی ازلی

ای کردگار، ای برتر از آموزگار ای پروردگار خداوندا تو

مارا توفیق عنایت فرما که در حضور حضرت قائم آل محمدص

حاضر باشیم . و جزویاران و ملازمان آنحضرت بوده توفیق

زیارت و خدمت در رکاب آن عالی‌مقام راداشته باشیم .

خداوندا همان‌طور که در آیه اول قرآن فرموده‌ای (اهدنا

الصراط المستقیم) . یعنی ما را براه راست هدایت فرما

این هدایت تو بجائی برسد که لیاقت زیارت قائم راداشته

باشیم . ما از شیطان نابکار بتو پناه می‌بریم که سد راه همه

بندگان تست .

به نایب چهارم در آخر غیبت صغری (کوچک) (به
 بنام خداوند بخشنده مهربان ای علی بن محمد سمری خدای
 تعالی ترا جزو مزدبرادران شیعی را تو در باره تو و بجهت قوت تو
 زیاد بگرداند. بدان که تو تا شش روز دیگر بیشتر زنده نمی
 باشی و شش روز از عمر تو بیشتر باقی نمانده و بعد از شش روز
 خواهی مرد پس خود را مهبیای مرگ نما و کسی را بنام وکالت
 و نیابت ما وصی خود قرار مده که بجای تو با اسم وکالت مقرر
 گیرد زیرا غیبت کوچک ما تمام شد و پایان یافت و هنگام
 غیبت بزرگ رسید پس دیگر ظهوری از من نسبت با حدی واقع
 نخواهد شد مگر باذن خدای متعال در ظهور کلی و اذن خدای
 متعال در جهت ظهور دولت حقه نخواهد آمد مگر بعد از اینکه
 دل‌های نوع بشر پستی گیرد و قلب‌ها سخت شود و ظلم و جور
 اطراف زمین را بگیرد. و زود است که بعضی از دروغ‌گویان دعوی
 دیدن و ملاقات مرا نمایند تا قبل از پیدایش سفیانی و ظهور
 وصیحه و صدای آسمانی آنکس در ادعای خود دروغ میگوید و
 بمن افترا می‌بندد و هیچ قدرت و نیروئی برتر از قدرت خدای

دانای توانا نیست. البته کھیحه آسمانی فریاد بلندی برمیخزد که همه وحشت زده میشوند و یک صدای ترسناک و مهیب و بزرگ باید سعی کرد باید نترسید موضوع سفیانی هم آنستکه از خانواده ابوسفیان کسی طغیان کرده برمیخزد بعضی نقاط راهم می گیرد و مسئله افترا بستن حضرت هم همین فرقه هاست که ظاهر میشوند و بدروغ ادعای نیابت و سفارت آنحضرت را مینمایند یا بعضی بدروغ خود را حضرت مینامند نظیر باب و بهاء که قبلاً " آمده بعداً هم خواهد آمد حکام و دولت وقت با آنها جنگیده معدومشان خواهند نمود نظیر مطالب روزنامه ها که نوشته اند (بتازگی) و ما مورین انتظامی آنها را تعقیب خواهند نمود اما حضرت قائم علائم خاصی دارد که بر همگان روشن خواهد شد صدق گفتارشان و کذب بیان آنها .

غیبت کبری

=====

گفتیم بعد از سال ۳۲۹ که زمان غیبت صغری یا کوچک

بود غیبت کبری شروع میشود تا حال اما در توقیح یا نامه

آخری امام زمان معلوم میگردد که افرادی هستند که مردم را در غیاب صاحب الزمان هدایت کنند حلال کدامست حرام کدامست متأسفانه در جامعه ما مردم حالا در این فکر نیستند و مال مردم و ناموس دیگران را برخود حلال میدانند حتی در فروختن اشیاء کم فروشی میکنند .

امام صادق علیه السلام نیز اشاره به توقیع و نامه حضرت نموده میفرمایند علماء و مجتهدین را احترام گذاشته مسائل را از آنان بپرسید البته علمای دین و روحانیون را میفرمایند . البته از ایشان دستوراتی میرسد بآنها و گاهی به افراد غیر معمم هم که نیت پاک دارند چنان الهامات میشود و دستوراتی میرسد که تعیین کننده اخلاقیات است که چگونه خود را آماده کنند جهت ظهور حضرت و اگر آلودگیهای این جهان را از خود دور کنند لایق حضور حضرت میشوند لایق چشمه خورشید درخشان میشوند .

در بحار الانوار مجلسی از قول چند نفر و از آن پس از اسحق عمار روایت میکند که از حضرت صادق علیه السلام که

غیبت حضرت قائم علیه السلام مآشئیده است که از غیبت اول فقط خاصان از غیبت او خبر دارند و در غیبت بزرگ پس از عبدالکریم و ابی بکر و سپس زواره روایت شده که در غیبت دوم طبق روایت حضرت صادق علیه السلام آنحضرت اکثرأ در مکه است و بزیارت همه ساله میآید اما اشخاصی که اشاره شده در احادیث ایشان را دیده اند در همان مکه بیشتر بوده است .

از مردی حکایت شده در بحار الانوار مجلسی که از قافله دور مانده بود ناگهان در حالت تشنگی شدید جوانی را دید که باو قول داد که بقافله اش برساند بامشک آب سیرابش نمود بعد از آن اهل قافله تعجب کردند که فکر میکردند تا حال او مرده است بعدها شایع کرده بودند که طی الارض دارد ..

طی الارض یعنی در مدت کوتاهی فاصله زیادی را می پیماید . حضرت پس از رساندن او بقافله غایب شد . پس از اینکه از زیادی ضعف و لاغری پایش یارای حرکت نداشت پس از رفتن او را در حائی گذاشتند و رفتند که ناگهان حضرت بنظرش آمد و نحاشتر داد و تعجب کردند از اینکه حرکت میکند حال

معلوم میشود که همان حضرت حجت صلی الله بوده است .

علائم ظهور حضرت

=====

از اخبار و روایات مختلف برآمده که ۶۰ علامت قبل از ظهور حضرت ظاهر میشود که آن علائم را علائم ظهور حضرت مینامند بدینقرار :

- ۱- طلوع آفتاب در یکروز از مغرب
- ۲- توقف آفتاب در یکروز تا موقع عصر
- ۳- خروج شخصی از کویت و گشته شدن او در دمشق
- ۴- گشته شدن مردی پاکدل از آل محمد ۱۵ روز قبل از ظهور
- ۵- شورش و خروج مردی ، از شهر سمرقند که کارهای بزرگی در دست میگیرد .

- ۶- تصرف شامات و مصر بوسیله مردی از غرب
- ۷- سرخی شدیدی سراسر آسمان را فرا خواهد گرفت .
- ۸- خراب شدن یک دیوار از یک قصر در کوفه
- ۹- شورش و خروج یکی از اهالی یمن

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۱۲۲

۱۰- ظاهر شدن آتشی در شرق دنیا که سه روز بین زمین و

آسمان قرار میگیرد.

۱۱- سوارانی از مغرب بسوی دمشق میآیند

۱۲- خرابی شام و خروج سه عده که سومین آن همان

سفیانی معروف است

۱۳- ۱۲ نفر سید بتدریج دعوی امامت و نیابت میکنند

۱۴- وزیدن باد سیاه در بغداد

۱۵- وبا و طاعون در اثر جنگهای شدید بروز خواهد نمود

۱۶- سوزاندن مردی جلیل القدر بین دجله و خانیقین

۱۷- فرورفتن جمعی در زمین بصره

۱۸- شصت نفر مدعی ادیان و مذاهب مختلف میشوند که

پیشوا هستیم

۱۹- جنگ و خونریزی

۲۰- خروج سفیانی از خاندان ابوسفیان

۲۱- هجوم ملخ بسیار

۲۲- خراب شدن دیوار قصری در کوفه

۲۳- خروج دجال

۲۴- کافری زندیق از قزوین خروج میکند

۲۵- هجوم عده‌ای از اهل روم بمصر

۲۶- خراب شدن بغداد

۲۷- صیحه آسمانی

۲۸- ماه و خورشید (و گرفتگی) در فاصله ۱۵ روز دنبال ه

۲۹- آمدن اصحاب کهف

۳۰- آمدن و ظهور حضرت عیسی

۳۱- ظهور خضرو الیاس پیغمبرص

۳۲- ظهور حضرت صاحب الزمان ص

گفتار بزرگان دین درباره ظهور

=====

۱- پیغمبر اکرم فرموده است در آخر زمان فحش و غیبت

و دروغ و شرابخواری و سازو آواز و زنا و لواط و ربا خواری و فحش به

پدر و مادر و اطاعت از زن و قمار بازی و خیانت در امانت و تجارت

بسیار میشود .

اهل فقه و علم کم میگردند . افراد مومن خوار میشوند ، زناکاران
و سخن چینان زیاد میگردند . شریک شدن زنان در کسب با مرد
و زناکاری بصورت معامله در میآید ، رشوه حلال میشود .

کمک بفقراء نبوده مردمان بی سرو پا کاخهای چند طبقه میسازند و
مردان خدای و پاک بگورستان جهت خواستن مرگ از خداوند
خواهند رفت برای مال دنیا و دنیائی برادر خود را میکشند از
(نظیرش یکی دوبار در روزنامه ها نوشته شده است) درستون
حوادث) .

باقرآن تجارت شده مزد برای آن میگیرند بجای سلام مردم به
هم فحش و ناسزا میگویند (اینهم ضمن شوخی تازگیها مد شده
است) .

عمرها کوتاه که تا حدی کم و بیش دیده میشود که میگویند انجام
شده است .

در مجامع و سخنرانیهای جمعی از خدانامی برده نمیشود ، به
دست آوردن معاش و روزی بدون گناه میسر نمیشود .

قناعت بکلی از بین میرود علماء و دانشمندان از بدترین

مخلوق خدا میشوند . بازاریان از کسادی بازار شکایت خواهند کرد پوشیدن لباس حریر شایع میشود . زنان و مردان شبیه هم میشوند (که این فعلاً " صحیح است) . کم فروشی رایج می شود . عبادت خدا فقط در ماه رمضان میشود .

۲- جابر بن انصاری . روایت کرد که در حجة الوداع بود

که پیغمبر فرمودند . در آخر زمان ذکوه بفقراء داده نمیشود .

و شراب و مسکرات آشکارا نوشیده میشود تهمت و افتراء زیاد

میشود . حرام را مباح می شمارند . بزرگ بر کوچک رحم نمیکند

و کوچک به بزرگ احترام نمیگذارد مهربانی و ترحم از بین میرود

حیا کم میشود . وفا کم میشود . زنا زیاد میگردد .

مردان لباس زنانه میپوشند (فعلاً " اینهم عملی شده است) .

کار خوب زشت و کار زشت خوب میشود . مردان خود را بطلا

میا رایند - حرام زیاد و زلزله زیاد میشود قرآن را با آواز میخوانند

عدهای از پیروان شیطان ادعای امامت میکنند - یکنفر از اولاد

من بسطنت میرسد .

نام او نام منست - اخلاق او اخلاق منست پرچم من در دست

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۱۲۶

اوست دنیا را که ازستم پرشده است پراز عدل میکند .

۳- عبدالله شعرانی در سال ۹۰۵ کتاب یواقیت

رانوشته است که در مورد سلاحهای جدید جنگی مطالبی دارد .

۴- در جامع الاخبار و جراید شیعه از حضرت رسول اکرم-

روایت میشود که بزودی زمانی میرسد که مردم از علماء فرار میکنند

سه بلاء بمردم روی میآورد یکی ظلم و جور دوم رفتن برکت

یابی برکتی سوم بی دینی و ایمان از دنیا رفتن که از همه بدتر

است .

۵- از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده اند که در آخر

الزمان مردم به ترس و اضطراب و گرانی و کسادى و کمی آذوقه

گرفتار میشوند عده ای از مردم از قتل و کشتار و وبا و طاعون می

میرند ، البته ترس و اضطراب دو تا از امراض روانی است که

حالا تا حدی رایج شده است .

۶- علائم چندى حضرت على علیه السلام فرموده است .

حضرت فرمودند از من سؤال کنید قبل از اینکه از میان شما

بروم (سلونى من قبل ان تفقدونى) در اینجا عمد ، صعصعه

۷- امام محمد باقر فرموده است موقع ظهور حضرت یکی از علائم آن اینستکه چنان مردم از دین خارج میشوند که متوجه شوند مثل خارج شدن سرمه از چشم زیراکسیکه سرمه بچشم میکشد میدانند چه وقت کرده اما نمیدانند کی خارج میشود .

تربیت فرزندان



ما بیش از همه باید ب فکر تربیت فرزندان خود باشیم
ممکن است افرادی همه مردم را رهنمائی کنند و اما از خانواده
خود غافل باشند یکبار ه ملاحظه میکند فرزندش مشروب الکلی
خورده و اما با همه زهد و پرهیزکاری خویش فرصت نکرده بود
اول از خانه خود شروع کند و فرزندش را هدایت کند . ما باید
دلهای فرزندان ما را بنور ایمان روشن کنیم و جانهای بی آلاش
پاک آنان را بر حذر داریم از هرزنگ و رنگ و آلودگیهای بی
ایمانی که فردا سعادت ابدی در ب خویش را بروی آنان ببندد
همای سعادت و پاکی و پاکدامنی از بالای سرشان بپرد .
کوشش کنیم فرزندان ما در درجه اول یک انسان تربیت

کنیم یک انسان با ایمان محکم و خلل ناپذیر بر شریعت نبوی و
آماده جهت حضور در ظهور صاحب الزمان و لایق حاضر شدن
حضور آن .

دجال کیست

=====

از کتاب نور الانوار علائم ظهور حضرت رانوشته شماره
چهل و سوم را خروج دجال ذکر میکند که نزدیکهای ظهور حضرت
قائم صل الله می باشد .

اسم او صاید پسر صید است لقبش دجال می باشد .

خروج میکند فتنه و فساد زیاد میشود (بوسیله او خداوند مردم

یکبار دیگر آزمایش میکند - از مؤلف) .

کلمه دجال برون فعال است که از دجل می آید و دجل یعنی

پوشاندن حقیقت به باطل و معنی دیگر دجال هم خدعه و مکر و

حیله است اول ادعای پیغمبری بعد ادعای خدائی میکند .

در کتاب حجت البالغه دلایل می آورد که دجال شاید همان بهائیت

باشد و شباهت او همان شکل است در ادعا و خروج میکند و تمام

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۱۳۰

ادعای و کتابهای بهائیان را با ادعای دجال مقایسه میکند و
برابری مینماید .

علائم دجال

=====

- ۱- از شهر اصفهان و محل یهودیه خروج مینماید .
- ۲- نامش عبداللهاست یا صوئد بن صید
- ۳- در کنار فرات لشکر روم و ترک جنگ میکنند .
- ۴- دجال چشم راست ندارد .
- ۵- از علائم مختلف کتابهای متعدد برآمده که یک
چشم فقط وسط پیشانی دارد .
- ۶- بمکه و مدینه نخواهد رسید .
- ۷- جادوگر بزرگی است که مردم را با جادو فریب میدهد
- ۸- بظاهر برای نمایش حضرت خضر را کشته و زنده میکند
- ۹- در شام بدست حضرت مسیح کشته میشود
- ۱۰- مادر دجال کاهنه و خود خانوادگی یهودی است
- ۱۱- مومنین در بیت المقدس در محاصره دجال میفتند

گفتار حضرت امیرالمؤمنین

=====

اصنع بن نباته پس از آنکه سئوالات زیادی درباره

ظهور حضرت میشود از حضرت امیر (ع) سؤال مینماید .

(دجال کیست) حضرت فرمودند صاید پسر صیدا است وای بر کسی

که او را تصدیق نماید .

از اصفهان خارج میشود و از شهر و محل بنام یهودیه و چشم

راست ندارد و نابیناست چشمش خون گرفته است . در سال

قحطی شدید خروج میکند و سوار بر خراست . صدای بسیار سا

و بلند و حشتناک دارد . ادعای پروردگاری مینماید . لشکرا و

از اولاد زنا هستند لباس سبز میپوشد و در شام بدست حضرت

کشته میشود .

گفتار ادیان دیگر درباره دجال

=====

۱- کتاب دانیال نبی باب ۱۲ (دوران تسلط دجال

سه سال است . و سه پادشاه را از بین میبرد . با خدا خصومت

میکند) .

۲- در کتاب تورات دجال را موجودی میدانند خارق

العاده و دارای صدا و صوت شگفت انگیز و جوان .

۳- انجیل یوحنا رساله اول باب دوم آیه ۲۲ آمده

است (در پایان نیست جز آنکه عیسی مسیح را تکذیب می

کند و آن دجال است) .

آموزش دوران کودکی

=====

ما را از کودکی چون در خانواده متدین و مقدسی بدنیا

آمده ایم آموخته اند که سعی کنیم فریب نخوریم زمان ظهور

حضرت فریب برای مردم زیاد است در مورد دجال گفتند که

خوش خرما از خود میریزد و مردم دنبالش میروند و بر میدارند

تا آن موقع نمیدانستم چرا مردم چنین میکنند حال که مطالعات

زیادتری از دوران کودکی یافتم معلوم شد چون قحط و غلاء

از طرفی و بی ایمانی از طرف دیگر مردم را فرامیگیرد مردم

ناچار همان خرمائی که خرمنندازد شتابان بر میدارند و می

خورند و فریب دجال را هم میخورند .

چگونه ظهور حضرت ص

=====

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود در باره چگونه ظهور حضرت ص در پاسخ فرمودند تنها ظاهر میشود و تنها بخانه کعبه میآید و آنروز بتنهائی بشب میرساند چون هوا تاریک شد مردم همه بخواب رفتند جبرائیل و مکائیل و صفوف ملائکه از آسمان فرود میآیند جبرئیل میفرماید آقای من سخت رواو امرت جاریست حضرت میفرماید .

(الحمد لله الذي صدقنا وعده واورثنا الارض ننبوء من الجنة حيث نشاء تنعم اجرا للعاملين) . یعنی شکر خدا را که وعده خود را انجام داد و زمین را در قبضه ما گذاشت و هر کجای بهشت را که بخواهیم منزل میگیریم) . چقدر خوبست جای عمل کنندگان در زمین بین رکن و مقام سپس حضرت میایستد و باواز بلند میفرماید . ای جماعت نقباوای خاصان و آنانکه خداوند شما را پیش از ظهور من برای یاری من ذخیره نموده از صمیم قلب و اطاعت کامل نزد من آئید صدای حضرت قائم ص در شرق و غرب و یا مردم که میخواهند کمک کنند میرسد

بعضی از مردم در عبادتگاه در حال عبادت هستند و بعضی در خوابند با همان حال همه خاصان و پیاکان و خوبان آواز حضرت ، رامی شنوند و عوتش را اجابت نموده رو بمکه میآورند و در یک چشم بهم زدن همه در میان رکن و مقام حاضر میگردند . خداوند دستور میدهد که نوری از زمین تا آسمان مانند ستون کشیده شود و همه مومنان بوسیله آن نور روشنی میگیرند و یک قسمت از آن نور درون خانه‌های مومنان میتابد و دل‌هایشان بدان نور خرسند میگردد آنها تیکه میدانند امام از اهل بیت پیغمبر ظهور کرده است ۳۱۳ نفرند که بتعداد اصحاب حضرت رسول خدا صلی الله میباشند .

علامات قیافه حضرت ص

=====

قد بلند صورت گندمگون اندام بسیار ورزیده قسوی
چهره‌ای نورانی بقول پیغمبر اکرم کمی بالای بینی برآمده
ست و صدای رسای او بلند (در کودکی شنیده‌ام) در بازوی راست
حضرت آیه‌ای نوشته شده است (وتتمه کلمة ربه . . . البته

بقیه این جملات را در کتابی نخوانده‌ام و تاکنون ندیده‌ام
از این جمله ناتمام معلوم میشود که میگویند حضرت ص بقیه
الله است صحیح میباشد البته به خلاف مدعیان مهدویست
کسی جرات تکذیب کردن او را و صدق گفتارش را ندارد .

خطبه امام زمان هنگام ظهورش

=====

روایت از جابی و ابی جعفر شده است که میفرمایند .
(ای معاشر الناس شما را متذکر می‌سازم و خداوند را شاهد
این تذکر می‌گیرم) (که بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی برای
این بود که بخدا شرک نوزید و بر اطاعت خدا و رسول محافظت
نمائید زندگی شما ببقاء قرآن است و نابودی و فناى شما در
فراموشی قرآن است امروز مرا به هدایت بشر یاری کنید و برای
اقامه تقوی حمایت نمائید و دنیای پست فانی است با آن
وداع کنید من شما را دعوت بخدا و رسول خدا می‌کنم) .

دلایل غیبت امام زمان (ع) ————— ۱۳۶

کلمات بالامختصر اما عمیق است و در ژرفنای این کلام

چه درک میکنیم؟ اولاً تذکرات گذشته پیغمبران را تکرار کرده

خداوند را شاهد میگیرد که یکبار دیگر کلام انبیاء را تذکر میدهد

از طرف دیگر مگر پیغمبر اکرم نفرموده بود که بعد از من دو چیز

را میان شما امانت قرار میدهم یکی قرآن و یکی اهل بیت آیا

با اهل بیت او چه کردند؟ با امامان در هر زمان چه کردند؟ با

قرآن چگونه؟ که قرآن را خواند؟ که عمل کرد؟ بعد مسئله

تقوی را پیش میکشد و درد عوی و دریاری خواستن از مردم لبخند

زدن بمرگ را پیشهاد میکند که دنیا فانی است و دوباره بخدا

و رسول دعوت را تکرار میکند و حضرت ص میفرماید که اگر گفتار

قرآن عملی میشد سعادت همیشگی نصیب انسانها میگردد.